

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره برگزاری پلنوم

یعنی اسانامه را مورد بررسی قرار داد. مباحثات پلنوم در زمینه اسانامه حول پیش‌نویس مصوب هیات سیاسی که به پلنوم ارائه شده بود صورت گرفت. پلنوم در جریان این مباحثات اصلاحاتی را روی طرح ارائه شده به پلنوم وارد ساخته و در پایان آن رایبه اتفاق آرا، مورد تأیید و تصویب قرار داد. تلاش در جهت کار بهت موثرتر اصول کلی ساختمان حزب طبقه کارگر و توجه بیشتر به تجارب بقیه در صفحه ۲

در مهرماه سال ۱۳۶۶ پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی تشکیل شد و در فضای کار رفیقانه و مسئولیت انقلابی به مساله تدارک کنگره و به سایر مسائلی که در دستور آن قرار داشت رسیدگی کرد. پلنوم با استماع گزارش فعالیت سازمان در فاصله میان دو پلنوم (از فروردین ۶۵ تا مهر ۶۶) کار خود را آغاز کرد و سپس سند اساسی در دستور کار خود



دوشنبه ۱۸ آبان ۱۳۶۶ برابر ۹ نوامبر ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۸۲

سخنان میخائیل گارباچف در مراسم گرامیداشت انقلاب اکتبر



ارائه بیانی فشرده از راه طی شده در اتحاد شوروی از ۱۹۱۷ بدین سو، اختلاس داشت. بخش دوم، درباره روند کنونی نوسازی در سوسیالیسم بود، و بخش آخر، به بررسی اوضاع جهان پرداخت. نظر به اهمیت این سخنرانی، که مورد توجه همه جهانیان قرار گرفت، بخشهایی از آن را در این شماره از نظر خوانندگان "اکثریت" می‌گذرانیم. در صفحه ۸

میخائیل گارباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مراسم جشن مشترک کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش، شورای عالی ا. ج. ش. س. و شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، که در روز دوشنبه دوم نوامبر در مسکو برگزار شد، سخنان مهمی ایراد کرد. این سخنرانی مشتمل بر سه بخش بود. بخش نخست، به

"ایران گیت"، فرانسوی

فضاحت دیگری برملا شد. فاش شد که آن هنگامی که رژیم خمینی از دولت میتران در فرانسه به عنوان "سویال صهیونیست" نام می‌برد و آن هنگامی که دولت فرانسه دم از تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی می‌زد، در نهای چروابط تسلیحاتی گرمی بین دو دولت برقرار بوده است. بنا بر گزارشهای انتشار یافته در هفته گذشته از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ با اطلاع کامل میتران، رئیس جمهور فرانسه، پارتی‌های کلان اسلحه به ایران صادر می‌شده است. طرف اصلی معاملات تسلیحاتی با رژیم خمینی انحصار اسلحه‌سازی لوشر بوده است. این شرکت ۵۰۰۰۰ کلوله توپ و تجهیزات نظامی دیگر به جمهوری اسلامی تحویل داده است. بخشی از منفعت حاصله که بالغ بر سه میلیون فرانک فرانسه می‌شده است، به صندوق حزب سوسیالیست واریز شده است. به مقامات نیز حق السکوت‌های کلانی رسیده است.

"ایران گیت" فرانسوی، در کنار "ایران گیت ریگان"، در کنار معاملات تسلیحاتی آلمان فدرال، سوئد، اتریش و ایتالیا با جمهوری اسلامی هم افشا کننده جهان امپریالیستی است و هم افشا کننده رژیم "ضد استکباری" خمینی، امپریالیسم نشان می‌دهد که چگونه از جنگ و خونریزی تغذیه می‌کند و رژیم خمینی نشان می‌دهد که چگونه ناف مایشین جنگی اش به امپریالیسم بند است. ●

از رویدادهای ایران

قائم مقام وزارت

امور خارجه اتحاد شوروی وارد تهران شد

انتخابات مجلس

در زمان اعلام شده برگزار می‌شود

عده ای از نمایان

به اتهام اختلاس دستگیر شدند

تغییرات در سازمان تربیت بدنی

در صفحه ۴

قلاش‌های جنگ طلبانه برای به شکست کشانیدن قلاش‌های صلح جویانه

آتش بس برقرار می‌شود، بندر عراقی فاو در اشغال جمهوری اسلامی باقی می‌ماند و تنها پس از گرفتن غرامت جنگی تخلیه می‌شود، آتش بس رسمی منوط به "تعیین متجاوز" می‌گردد. عراق به شدت با این طرح مخالف است.

طرح جمهوری اسلامی در مقابل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت قرار دارد. این طرح تقلای دیگری است برای تداوم جنگ. الحاق طلبی و غرامت طلبی تنها آب به آسباب جنگ می‌ریزد. این که در آینده ممکن است فرمولهای کشداری برای تحقق آتش بس برقرار شود، غیر محتمل نیست، اما امروزه باید به طور ویژه آنچه را که خطوط محوری سیاست جمهوری اسلامی در قبال مساله جنگ و صلح را تشکیل می‌دهد، افشا کرد و بر این موضوع تاکید ورزید که الحاق طلبی بقیه در صفحه ۶

رژیم خمینی می‌کوشد تلاش‌های صلح جویانه سازمان ملل متحد را برای پایان دادن به جنگ ارتجاعی، به شکست بکشد. پاسخ رژیم به درخواست دبیر کل سازمان ملل متحد برای اعلام موضع نسبت به تلاش‌های تازه صلح جویانه این سازمان، سنگ اندازی در برابر این تلاش‌ها برای تداوم بخشیدن به جنگ است. رژیم در نامه‌ای به پرزیدوکوشیار - که محتوای آن به طور غیر رسمی از طرف خبرگزاری آسوشیتد پرس انتشار یافته است - آتش بس رسمی و بی‌قید و شرط مخالفت ورزید و موضع صریح الحاق طلبانه‌ای گرفته است. در نامه جواویه مذکور، بر روی این طرح اصرار شده است. ابتدا باید کمیسیونی برای "تعیین متجاوز" و محکومیت آن "تعیین شود، همزمان با اعلام تشکیل این کمیسیون به صورت غیر رسمی

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به زندانیان سیاسی

رفقا و مبارزان در بند!
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما فرزند ان جانهاز خلق که در سیاهچالهای رژیم رودر روی چلادان ایستاده اید و بخاطر شرف و انسانیت می رزمید، درودهای آتشین می فرستد. مردم میهن ما مبارزه و مقاومت شما در اسارتگاههای رژیم را نمودار مبارزه متعالی خود علیه ارتجاع حاکم می دانند و در مقابله با تلاش های رژیم که می کشد از انهنکاس پایبندی و قهرمانی شما در خارج از زندان جلوگیری کند صدای حق طلبانه و مبارزه جویانه تان را در جهان بازتاب می دهند. در یک سال ونیم گذشته رژیم تلاش کرد اعتصابات بزرگ شما را پنهان نکند ارد و نکلا ارد آوازه ایستادگی و رزم پرشکوه تان از ورای دیوار سیاهچالهای رژیم بگذرد، اما رژیم در این کار ناکام ماند و جنایات آن با تلاش همه نیروهای مترقی افشاد و اعتراض وسیع محافل آزادیخواه را علیه رژیم برانگیخت.

مهرزمان در بند!
یک سال از یورش رژیم به زندانیان و بازداشت بیش از یک هزار زندیده فدایی می گذرد، سیاه مزدور با همدستی همه دستگاههای جاسوسی رژیم با همه نیرو و تلاش کردند که فعالیت انقلابی سازمان را متوقف کنند و بدین وسیله مردم را از سلاح نیرومند خود در بیکار علیه رژیم چهل و جنایت فقها محروم سازند. علیرغم تلاشهای خونبار ارتجاع، سازمان ما با عزم استوار در راه چیرگی بر دشواریها و مقابله با یورش های رژیم و تدارک گسترش هر چه قاطع تر نبرد علیه ارتجاع پیش می رود. مهرزمان در بند!

جمهوری اسلامی در اثر جنگ، ورشکستگی اقتصادی تشدید دشمنی با خلق، اختلافات روبه افزایش داخلی و فساد و جنایت می پوسد و راه زوال می پیماید. رژیم برای حفظ حکومت خود از بهرائی که نارویبود جامعه را به لرزه در آورده است و برای به تاخیر انداختن روز رستاخیز خلق، بار دیگر جوخه های اعدام را برپا داشته است، آنها حتی علیه همکاران سابق خود نیز تیغ کشیده اند. در ماههای اخیر بار دیگر اطلاعات نگران کننده ای که از درون زندانها به خارج درز کرده است، حاکی از اعدام فدائیان خلق و دیگر انقلابیون در بند است. اعدام انقلابیون در بند، این رژیم را در میان خلق ما و در جهان بیش از پیش مطرود کرده است. اندیشه و آرزوی نابودی رژیم در قلب و روح مردم ما بیش از پیش نفوذ

تاریخ به خون آغشته کشور ما رسالتی سترگ بر عهده شما گذارده است، رسالتی که اینک شما با خون خود آنرا پاس می دارید. شما با ایستادن خود با رژیم خود، دشمن را خوار می دارید و با خون و شیره جان خود درفش رزم خلق را برافراشته اید، ایران و جهان می دانند که امروز نوک سرنیزه استبداد و ارتجاع بیش از همه و بیش از هر کجای جهان بر سینه شما فشرده می شود. خروش حمایت از رزم حماسی شما در ایران و جهان هر روز بیشتر ظنین افکن می شود. میلیونها مردم ستمدیده ایران پشتیبان هدفها و مبارزات ما و بر ضد رژیم ارتجاع اند. راه ما بسوی پیروزی همارا میگردد. بار دیگر در زندان اوین، در زندان ایران، کشوده خواهد شد و آزادی و صلح و عدالت بر کشور ماحکوم خواهد گشت.

درد آتشین بر زندانیان سیاسی
ننگ و نفرت بر رژیم ارتجاع
پیروزی مبارزه خلق
پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهرماه ۱۳۶۶

جمهوری اسلامی در اثر جنگ، ورشکستگی اقتصادی تشدید دشمنی با خلق، اختلافات روبه افزایش داخلی و فساد و جنایت می پوسد و راه زوال می پیماید. رژیم برای حفظ حکومت خود از بهرائی که نارویبود جامعه را به لرزه در آورده است و برای به تاخیر انداختن روز رستاخیز خلق، بار دیگر جوخه های اعدام را برپا داشته است، آنها حتی علیه همکاران سابق خود نیز تیغ کشیده اند. در ماههای اخیر بار دیگر اطلاعات نگران کننده ای که از درون زندانها به خارج درز کرده است، حاکی از اعدام فدائیان خلق و دیگر انقلابیون در بند است. اعدام انقلابیون در بند، این رژیم را در میان خلق ما و در جهان بیش از پیش مطرود کرده است. اندیشه و آرزوی نابودی رژیم در قلب و روح مردم ما بیش از پیش نفوذ

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره برگزاری پلنوم

بقیه از صفحه اول
غنی ۸۰ ساله احزاب برادر و انطباق هر چه بیشتر این اصول و

تجارب بر شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و بر مرحله تکامل سازمان و تجارب آن، سمت و مضمون عمده تغییرات حاصله در اسانامه سازمان را معین می کند. طرح جدید اسانامه بنا به تصمیم پلنوم اکنون در تمام حوزه ها و کمیته های سازمان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و از اول دی ماه ۶۶ راهنمای عمل ارگانها و اعضای سازمان خواهد بود. پیشنهادهای رسیده از سوی اعضا در کمیته مرکزی مورد بررسی قرار گرفته اسانامه سازمان در کنفره به تصویب نهائی خواهد رسید.

پلنوم با در نظر گرفتن گزارش هیات سیاسی درباره پیشرفت روند تدارک و تصویب برنامه درباره شیوه پیشبرد و ادامه کار روی برنامه در دستگاه رهبری و مباحثات حول پیش نویس های مقدماتی برنامه در تشکیلات تصمیمات لازم را اتخاذ کرد. پلنوم تأیید کرد که تا تصویب برنامه جدید طرح استراتژی و تاکتیک مصوب پلنوم فروردین ۶۵ راهنمای عمل سازمان قرار گیرد.

بخشی از کار پلنوم به مباحثات پیرامون شرایط ترور و اختناق حاکم بر کشور، تقویت توان مقابله تشکیلات با سرکوب رژیم و مرحله تکامل ساختاری تشکیلات بمنظور تعیین شیوه های تدارک و فرخواندن کنگره اختصاص یافت. مباحث پلنوم در زمینه مشی سازمانی و شیوه های هدایت فعالیت واحدهای سازمان در سطح کشور متوجه آن بود که هم از تجارب دور و نزدیک سازمان در امر سازمانگری و هم از بررسی و تحلیل ضربات سال ۶۵ و علل آن در امر سازمانگری فعالیت انقلابی درس گرفته شود. مساله مرکزی مورد تأکید پلنوم در تدوین مشی تشکیلاتی سازمان برای شرایط ترور و اختناق فعلی آن است که واحدها بگونه ای سازمان یابند که هم شرایط ادامه کاری آنان در دراز مدت تامین شود و هم پیوند مستقیم آنان با محیط های کار و زندگی، با طبقه کارگر و دیگر توده های زحمتکش حفظ

دبیرخانه کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهرماه ۱۳۶۶

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران

رفقا!

توده‌های مردم بر اثر فلاکت اقتصادی کشور که بطور وقفه‌ناپذیر ایجاد ژرفتری می‌یابد در وضعیت سخت و طاقت فرسایی بسر می‌برند، مردم در برابر فقر و سیه‌روزی که رژیم ولایت فقیه به آنها تحمیل کرده است می‌خواهند عدالت اجتماعی بر زندگی آنها دامن گسترده. تشدید تضادهای اجتماعی و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی در جامعه از یک سو و عمیق‌بیکانگی رژیم خمینی با مطالبات مردم و نیازهای رشد جامعه از سوی دیگر، زمینه‌های عینی گسترده‌ای برای گسترش فعالیت انقلابی و سازمانگرانه ما پدید آورده است همه واقعیات حکم می‌کنند که در برابر سرنوشت میهن و مردم خود عمیقاً احساس مسئولیت کنیم و با متحد کردن همه سازمانها و نیروهای انقلابی، دمکرات و ترقیخواه، به منظور استقرار صلح و دمکراسی و سرنگونی رژیم ارتجاعی ولایت فقیه به مسئولیت تاریخی خود جامعه عمل بپوشانیم.

متأسفانه در برابر چنین مطالبه‌ای، سیر رویدادها در سازمانهای چپ ایران حاکی از گسترش پراکندگی‌ها و تفرقه‌هاست. توانایی سازمان ما در غلبه بر دشواری‌هایی که فراروی آن قرار دارد در گسترش روند همگرایی در جنبش چپ ایران و ارتقای نقش و تاثیر آن در رویدادهای سیاسی کشور انکارناپذیر است. همه واقعیاتی که جنبش و سازمان ما را احاطه کرده اند نشان می‌دهند و نشان داده اند که در پیشرفت تلاش‌ها در راه نزدیکی نیروهای چپ و همه نیروهای ترقیخواه کشور سازمان ما نقش بی‌بدیلی برعهده دارد.

پلنوم کمیته مرکزی تاکید دارد که در انجام وظایف ما در جنبش کارگری و کمونیستی ایران و در پی آن در انقلاب ضد امپریالیسم - دمکراتیک مردم ایران، در راه استقرار حاکمیت خلق، تامین عدالت اجتماعی و پیشروی بسوی سوسیالیسم، حضور و جدت رهبری و یکپارچگی رژیم‌جویانه سازمان اهمیت اساسی دارد.

پلنوم همه کادرها و اعضای سازمان را به تلاش مسئولانه برای حفظ و تحکیم وحدت و یکپارچگی سازمان فرامی‌خواند و یادآوری می‌کند که بدون باور عمیق به توانایی سازمان در حل مسایل جنبش پاسداری از هویت انقلابی وحدت و یکپارچگی سازمان پرافتخار ما غیر ممکن است.

رفقای عزیز!

در یکی از حساس‌ترین مقاطع حیات سازمان پلنوم قادر گردید به مسایلی که پیش روی خود نهاده بود، با موفقیت پاسخ بگوید، با هرگز آری موفقیت آمیز پلنوم مهر ماه ۱۳۶۶، در راه دستیابی به کنگره‌ای پیر و زمندکنگره‌ای که فدائیان خلق را حول اسناد مصوب خود متحدتر سازد و در فرجام آن، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکپارچه‌تر و رزمنده‌تر از همیشه در میدانهای نبرد قد برافرازد، کام بلندی به پیش برداشته شد.

تجربه این پلنوم تأیید کرد که تلاشهای مسئولانه کمیته مرکزی در آرا به پاسخ‌های درست به مسائلی که فراروی سازمان قرار دارد، می‌تواند و باید وحدت صفوف آن و مجموعه سازمان را تحکیم بپوشد.

رفقا!

پلنوم کمیته مرکزی همراه با پرشورترین درودها تک تک شما را به مشارکت هر چه فعالتر در راه تحقق تصمیمات پلنوم، به تحکیم صفوف خود حول آن، به تلاش هر مسئولانه‌تر در راه کاربست مسئولانه اسانامه جدید، کاربست صحیح و خلاق اصل سائترالیسم دمکراتیک، کاربست هر چه آگاهانه‌تر حداکثر انضباط همراه با تلاش هر چه مسئولانه‌تر برای گسترش دمکراسی درون سازمان و به مشارکت خلاقانه در مباحثاتی که حول برنامه در سازمان جریان می‌یابد فرامی‌خواند.

مادست در دست هم زیر آتش لاینقطع دشمنان راه پرفراز و نشیب هفده ساله را پیموده ایم، تجربه ما آموخته است که راه عبور از پیچ و خم‌های تند و دشواری که فراز و نشیب جنبش فراروی ما قرار می‌دهد، همیشه با استواری و شجاعت و ایمان به پیروزی، که با نام و قلب و روح فدایی خلق سرشته است، هموار گردیده است. تحکیم پیوندانمان با توده‌های زحمتکش، با سازمانان و آرمانیهای آن همواره ما را در گذر از تندپیچ‌ها و دستیابی به مرحله‌نوبتی از تعالی و تکامل معنوی یاری داده است. امروز نیز زمان همین وظایف را در برابر ما قرار داده است. مبارزه متحد فدائیان خلق ایران یقیناً قادر است راه تحقق آرزوی مهم خلق ما برای سرنگونی رژیم و استقرار صلح و دمکراسی را هموار و هموارتر و روزپیروری آن بر ولایت فقیه و رانزدیک‌تر و نزدیک‌تر سازد. پیروزی از آن ماست.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
پلنوم کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مهرماه ۱۳۶۶

دروهای آتشین کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما فدائیان خلق که علیرغم یورش ددمنشانه رژیم خمینی درفش پرافتخار سازمان خود را همچنان افراشته نگاه داشته‌اید، استادگی دلورانه و رزم فداکارانه شما پشتوانه تلاش کمیته مرکزی در حفظ و تحکیم وحدت رژیم‌جویانه صفوف سازمان است. پلنوم کمیته مرکزی سیاست‌های رفیقانه خود را ائتلاف شما فرزند ان راستین خلق می‌کند.

رفقای عزیز!

رژیم ارتجاع با تمام نیروی جهنی خود می‌کوشد از دامنه فعالیت و نفوذ انقلابی فدائیان خلق بکاهد، یورش چنایکتارانه رژیم خمینی در تاهستان گذشته به تشکیلات ما و اعمال شکنجه‌های وحشیانه علیه یازداشت‌شدگان بیانگر این تلاش ضد مردمی و نیز هراس ارتجاع از نقش انقلابی فدائیان خلق در سازمانگری و هدایت مبارزات کارگران و زحمتکشان کشور است. خمینی ناکزیر از آن است که خیال خاموش ساختن بانک صلح و آزادی و استقلال و عدالت که در رزم خروشان ما ظنین افکن است را به گور سپارد. مادر رومی که با سر بلندی و افتخار، آگاهانه و داوطلبانه انتخاب کرده ایم قدم سست نخواهیم کرد. آتش نبرد علیه رژیم خمینی، علیرغم شکنجه‌ها و اعدام‌ها شعله‌ورتر می‌گردد.

پلنوم کمیته مرکزی تلاش در راه حضور و گسترش فعالیت انقلابی فدائیان خلق در عرصه مبارزه توده‌ای را وظیفه عمده و درازمدت سازمان شناخته و از شما می‌خواهد که با کاربست دقیق و هشیارانه اصول کار مخفی و رهنمودهایی که به منظور بازسازی و تحکیم واحدهای تشکیلات آرایه شده و می‌شود با سرکوبگری ارتجاع به مقابله برخیزید و همه نیروی عزم و اراده و آگاهی انقلابی را با یکبار گرفتن همه امکانات و ابتکارها در خدمت تحکیم و ادامه‌کاری واحدهای خود قرار دهید.

همه واحدها در سراسر کشور در روندهای آتی همچنان موظفند قبل از همه امنیت خود را حفظ کنند و ارتباط خود را با رهبری تامین و تحکیم نمایند. حفظ و گسترش فعالیت سازمان در میان توده‌های کشورمان در گرو توجه دقیق به این رهنمودهاست.

رفقا!

چنگ خانمانسوز و سیاستهای چنگ افروزانه رژیم ولایت فقیه آماج نفرت ستیزنده مردم میهن ماست.

در رأس وظایف فدائیان خلق سازمانگری مبارزات مردم علیه چنگ است. ما خواهان قطع بلادرنگ و بدون قید و شرط چنگ و استقرار صلح هستیم. رژیم خمینی با ادامه چنگ و گسترش آن به آبهای خلیج فارس به گسترش حضور نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا یاری رسانده است. چگونگی برخورد با مساله چنگ بعد از قشون کشی امپریالیسم آمریکا و هندستان آن به خلیج فارس اهمیت و حساسیت باز هم بیشتری یافته است. اولاً بسیار مهم است که همه فدائیان خلق در سنگر مقدم مبارزه بخاطر قطع مداخله و حضور نظامی آمریکا در چنگ و در خلیج قرار گیرند. ثانیاً باید دقیقاً هشیار بود که رژیم خونریز خمینی حضور و مداخله نیروهای آمریکایی در منطقه را برای توجیه سیاستهای خائنانه و چنگ افروزانه خود دستاویز قرار ندهد، ثالثاً و مهمتر از همه آنکه باید تمام جهات و جوانب سیاست و تاکتیک ما متوجه تامین یک هدف یعنی آتش بس فوری و حل همه مسایل از طرق سیاسی گردد. وظیفه ماست هر حیل و ترفندی که رژیم خمینی برای فرار از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت برای ابراه شعله‌ورتر نکاهد اشتن آتش چنگ بکار می‌گیرد. افشاکنیم.

رفقا!

رژیم ترور و اختناق در میهن ما پدید آمد می‌کند. فقط در یکسال گذشته بیش از ۱۰۰۰ نفر دیگر از رفقای ما را جلاخان خمینی به اسارت برده‌اند. هزاران نفر رزمنده و مبارز و اهبسته به سازمانهای چپ و عناصر دمکرات و مترقی صلح دوست و مخالف رژیم در زندانهای خمینی اسیرند. بخصوص طی یک سال گذشته مقاومت و مبارزه زندانیان سیاسی، این گورمان فرزان و شب‌شکن میهن ستم‌دیده ما بار دیگر پشت رژیم ارتجاع را به لرزه درآورده است.

دفاع پیکیر و جانانه بهر شکل ممکن و در هر زمینه‌ای از زندانیان سیاسی و تحکیم پیوند با مقاومت زندان و درس آموزی از زندان امروز در پیوند تنگاتنگ با نیازهای رشد جنبش، تامین شرایط ادامه‌کاری و ارتقای قدرت رزمندگی آن قرار گرفته است. پلنوم کمیته مرکزی بار دیگر بر اهمیت پشتیبانی فعال از مبارزه‌ای که در زندان جریان دارد، بر اهمیت حمایت از خانواده زندانیان سیاسی، بر افشای هر چه وسیع‌تر جنایات رژیم در زندانها و بر اهمیت حفظ پیوند نزدیک با زندان تکیه کرده، همه اعضا و هواداران سازمان را به انجام مسئولانه وظایفی که در این عرصه از مبارزه برعهده آنهاست، فرامی‌خواند سازمانهای خارج از کشور نیز باید نقش خود را در دفاع از زندانیان سیاسی ایران در مرکز توجه قرار دهند.

بر اساس اعلام رسمی رژیم

هفت تن از اعضای گروههای سپاسی اعدام شدند

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ۷ تن از اعضای گروههای سپاسی کشور روز چهارشنبه ۶ آبان تهریزان شدند. حکم اعدام این عده از سوی شورا عالی قضایی جمهوری اسلامی تنفیذ شده بود.

انقلابیون توسط پاسداران جمهوری اسلامی در آذربایجان غربی، رشت و اصفهان دستگیر شده و توسط "محاکم شرع" این مناطق به اعدام محکوم شده بودند. با تأیید احکام دادگاهها توسط شورا عالی قضایی، حکم روز ۶ آبان اجرا شد.

در مطبوعات دولتی در مورد اتهام انقلابیون اعدام شده اعلام گردید که برخی از آنان تعدادی از پاسداران را در درگیریها به هلاکت رسانده بودند.

عده ای از نظامیان

به اتهام اخذ ناس دستگیر شدند

موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور طی مصاحبه با خبرنگاران ضمن تشریح عملکردهای شورا عالی قضایی از استفاده مالی و اختلاس دهها میلیون دلاری در ارتش پرده برداشت. وی به خبرنگاران توضیح داد که در ستاد مشترک ارتش و وزارت دفاع طی دو مرحله بررسی ۹۷ میلیون دلار از اموال، کشف و به حساب دولت برگردانده شده است. و افزود: "در این زمینه تعدادی دستگیر و پروندههای آنان تحت بررسی است."

بسیست و چهار ساعت پس از انتشار سخنان رئیس دیوان عالی کشور، شورا عالی قضایی با ارسال نامه ای به مطبوعات اظهارات وی را تکذیب کرد و اعلام نمود که اطلاق اصطلاح "سواستفاده" از زبان موسوی اردبیلی اضافی بوده است.

تغییرات در سازمان تربیت بدنی

طی دو هفته گذشته تغییرات وسیعی در سطح مسئولین فدراسیونهای ورزشی کشور صورت گرفت. به دستور سرپرست سازمان تربیت بدنی مرتضوی رئیس سابق فدراسیون فوتبال و پرویز دهنری مربی تیم های ملی از سمت های خود برکنار شدند و به جای آنان به ترتیب محمدرضا پهلوان و محمود یآوری منصوب شدند.

از طرف تربیت بدنی علت تغییرات ناماهنگی و شدت اختلافات میان دهناری و سایر دست اندرکاران اعلام شد. استعفای ۱۴ تن از بازیکنان تیم ملی بعد از شکست بازیهای آسیایی، ناکامی تیم ملی در مقابل تیم کویت و محرومیت از حضور در بازیهای المپیک ۱۹۸۸ سئول و فروپاشی تیم ملی فوتبال بخشی از کارنامه تربیت بدنی طی یکسال اخیر بوده است.

در فدراسیون کشتی نیز چواد رفوکر به عنوان سرپرست جدید معرفی شد. همزمان با این تغییرات، مربی تیم ملی بسکتبال نیز طی تماس با روزنامه های تهران کناره گیری خود را اعلام کرد. وی در شرایطی استعفا داد که نیمه دوم آبان باید تیم ملی بسکتبال در مالزی جهت شرکت در مسابقات قهرمانی آسیا حضور یابد.

قائم مقام وزارت امور خارجه اتحاد شوروی وارد تهران شد

دادن به ادامه حضور گسترده نیروهای آمریکائیان در خلیج فارس مذاکره کرد.

ورنتسوف پیش از ورود به تهران، از بغداد و کویت دیدن کرده بود. در عراق نیز محور مذاکرات، جنگ و اجرای تصمیمات شورای امنیت بود. یکی از سخنوریان وزارت امور خارجه شوروی پیش از آغاز سفر دوره ای ورتسوف به کشورهای منطقه، اعلام کرده بود وی در طول سفر خود به کویت، بغداد، تهران به لزوم استفاده از کلیه امکانات جهت اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق تأکید خواهد کرد.

بولی ورتسوف قائم مقام وزارت امور خارجه اتحاد شوروی روز شنبه ۹ آبان وارد تهران شد. مطبوعات جمهوری اسلامی اعلام نمودند ورتسوف به منظور مذاکره پیرامون جنگ ایران و عراق و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل وارد تهران شده است.

قائم مقام وزارت امور خارجه شوروی طی دو روز اقامت خود در ایران با ولایتی، لاریجانی، بهارتنی و سایر مسئولان جمهوری اسلامی پیرامون اوضاع خلیج فارس و تلاش های دهریکل سازمان ملل برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و پایان

انتخابات مجلس در زمان اعلام شده برگزار می شود

انتخاباتی محروم ساخته، تصریح کرد که وی مطابق نظر منتظری ناظرین بر انجام انتخابات و نظارت قبلی آن راه گونه ای تدارک دیده است که از تکرار پرده دربیهای انتخابات دوره دوم و ابطال صندوق آرا توسط شورای نگهبان جلوگیری کند.

وزیر کشور با اعلام نزدیکی زمان انتخابات به عناصری که علیه وی "جوسازی و دوغیردازی" می کنند هشدار داد که با مخالفین سیاست دولت موسوی قاطع برخورد خواهد کرد.

محتشمی اظهار کرد که "جوسازان" با ارایه "اطلاعات غلط به مسئولین" آنان را نسبت به وی به اشتباه انداخته و حتی اخیراً حرفهایی را نیز به وزیر کشور نسبت داده اند. وی گفت سیاست حاکم بر تغییرات و نقل و انتقالات در وزارت کشور، انتخاب استانداران و فرمانداران معتقد به ولایت فقیه، همگام با دولت موسوی و هماهنگ با روحانیون هم خط دولت بوده است.

محتشمی وزیر کشور روز یکشنبه ۱۰ آبان طی گفتگویی مطبوعاتی هدف از نقل و انتقالات و انتصابها در وزارت کشور، انتخابات سومین دوره مجلس اسلامی، هماهنگی فعالیت ارگانهای امنیتی و شرایط جاری جنگ را تشریح کرد.

وزیر کشور به خبرنگاران گفت که قانون جمهوری اسلامی مسئولیت شورای امنیت را به وزیر کشور محول کرده است. در "شورای امنیت" یکی از مشاوران خمینی در شورا عالی دفاع، رئیس ستاد مشترک، فرماندهان سپاه، کمیته ها، ژاندارمری و شهربانی و مسئول اطلاعات کل کشور عضویت دارند. محتشمی افزود وزارت کشور نیز وظایف خود را با تفکیک اطلاعات و امنیت، با نظارت استانداران انجام می دهد.

محتشمی در زمینه انتخابات با اشاره به زمان نام نویسی و برگزاری آن در فروردین ماه سال ۶۶، و با تأکید بر رهنمودهای خمینی که آخوندنا را از بهره برداری از تریبونهای نماز جمعه جهت تبلیغات



جاری شدن سیل و بارش برف سنگین در استانهای همدان، خوزستان، تهران، چهارمحال بختیاری، ایلام، لرستان، آذربایجان و کیلان خسارات و تلفات شدیدی به بار آورده است. طی هفته گذشته دهها تن و هزاران رأس از احشام روستائیان طعمه سیل شدند. عکس صحنه ای از یکی از خیابانهای گوهردشت کرچ را نشان می دهد. در این منطقه ریزش بیش از ۲۰ سانتیمتر برف و کمبود سوخت زندگی مردم را فلج کرد.

دعوت از تجار برای مبارزه با گرانی

چاروچنگال و های وهوی مبارزه با گرانی و گرانی که در اواسط تابستان سال جاری بر اه افتاده بود، یکدوره سکوت و "آرامش" راه دنبال خودداشت. اخیرا موسوی نخست وزیر اعتراف کرد که طرح مبارزه با گرانی روشی متوقف شده است. پیش از آنکه به این سکوت، توقف و احتمال از سرگیری چاروچنگال ها نظری بیافکنیم، ضرورت دارد به مختصات مبارزه با گرانی روشی در جمهوری اسلامی به اختصار اشاره نمائیم.

آنچه از پرده تکراری نمایش دور قبل بر جای ماند، بسته شدن چند واحد صنفی کوچک و به اسارت کشیده شدن چند خرده فروش بود، سرمایه داران در آندوره بر سرمایه های خود پسی افزودند و در کنار پیکره تکیده قدرت خرید عمومی، سرمایه هایورار شدند.

در آن هنگام، که رسانه های دولتی، مسئولین مملکتی و حتی خمینی در کورس درازگویی علیه "پدیده زشت گرانی" کوی سهفت از یکدیگر می رپودند، بازار، "رسالت" مبارزه با گرانی را راسا برعهده گرفت. از مختصات مبارزه با گرانی به سبک جمهوری اسلامی سخن رفت. یگانه و مهمترین مختصه این مبارزه، نقش بازار در این عرصه است. در واقعیت امر وظیفه مبارزه با گرانی را گران فروشان عمده بردوش گرفته اند. همان هنگام، انجمن اسلامی بازار با انتشار بخشنامه هایی رسما اعلام کرد که "طبقه محترم بازاریان" از پیش کسوتان مبارزه با گرانی و گرانی بوده و این بار نیز در پاسخ به "دستورات حضرت امام" و در تقلید از احکام اسلامی برای استقرار "عدالت اسلامی" یکپارچه و متحد خواهد کوشید، و هرآینه متفقین بازار غیر اسلامی خواسته باشند، در جریان این "مبارزه الهی" اختلال ایجاد نمایند، توسط نهادهای سرکوب بازار این دولت اسلامی به سزای اعمال ضد انقلابی خود خواهند رسید، متفقین و مرتدین این بازار غیر اسلامی که در

نمایش مبارزه با گرانی برای مردم کشور ما تازگی ندارد. نشریه "اکثریت" در همان گرمای چاروچنگال های نمایشی رژیم در تابستان سال جاری به صراحت گوشزد کرد: آنگاه که تورم هر زندگی محقر حقوق بگیران ثابت چنگ می کشد، داروغه باشی ها و گزمنگان به میادین و گذرگاهها می ریزند تا با کوششانی دادن کسبه جز و خرده پیا، در فضای ابرآلوده میاهوهای هسیتیک، خالقین اصلی گرانی را از تیررس خشم توده ها مصون دارند. چاروچنگال مبارزه با گرانی حکومت خمینی بهیچ رو محدود به هفته های اخیر نمیشود. مردم بخوبی بخاطر دارند که با صعود بحران، که از اوایل سالهای ۶۰ آغاز شد، رژیم با اعزام اکیب های موتورسوار خود کوشید تا در گرد و خاک بر جای مانده سوارکاران مزدور در مبارزه با "تروریستهای اقتصادی" ثبات سرمایه نوازانه خود را پوشیده دارد.

سلسله بخشنامه های انجمن اسلامی "طبقه محترم بازار" تحت عنوان "الوصفتان" از آنان یاد شده است، همان کسبه خرده پای کوچک و خیابان هستند. "بازار اسلامی" نیز بدور از هرگونه شک و شبهه ای، در سایه حکومت تمام عیار فقها، همان سرمایه داران کلانی هستند که نه با مکش های کوچک "زالوها"، بلکه با بادکش های مدرن وارداتی، خون اقتصاد بیمار کشور را به پول "نزدیک" می کنند.

موسوی نخست وزیر هفته گذشته ضمن شرکت در "ستاد مبارزه با گرانفروشی" فاش ساخت که نمایش بی فرجام مبارزه با گرانفروشی پیش از انتها در اداره "منکرات" و "وزارت ارشاد اسلامی" توقیف شده است. به چرایی موضوع اگر نظر افکنیم باید گفت که حتی این نمایش رسمی و شرعی نیز که بازار از قهرمانان نخست آن بود، کاملا آنچنان که پیش بینی می شد از کار در نیامد و بازار اسلامی زیر بار همین "عدالت اسلامی" هم نرفت و تلاش را تعطیل کرد. گزمنگان رژیم که نهاد اجرایی طرح مهار غول تورم بودند، در انجام این خطیر، پا را از کلیم مجاز اندکی خارج نهدند. موسوی در چاروچنگال تازه براه افتاده باز کوشید تا حمایت بازار را جلب کند. وی به "خطاها" اشاره کرد و از خود انتقاد نمود. وی صریحا اعلام کرد "مبارزه با گرانفروشی نباید بگونه ای اعمال شود که به درگیری و جبهه گیری سیاسی منجر شود. مقابله میان دولت و بازار چیزی نیست که به نفع ما باشد." (رادپوی دولتی - ۲ آبانماه)

موسوی در سخنان خود همچنین تصریح کرد که مبارزه علیه کسانی

است که ارزشهای اسلامی را نمی شناسند و طبیعتا "بازار اسلامی" که خود رقم زننده سرنوشت حکومت اسلامی است، مورد خطاب نیست. نخست وزیر حتی فراتر از این اعلام کرد که صاحبان سرمایه کلان از این مبارزه کمترین ضرری نخواهند دید. وی اعلام کرد که دولت با آنکه ۸۰ درصد ارزش افزوده صنایع را تصاحب می کند، از این مبارزه کمترین ضرری ندیده است. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی با دعوت از کلیه سرمایه داران و تجار "محترم" با دعوت از "بازار اسلامی" - که خود بسته آن است - وارد فاز جدیدی از های وهوی ضد گرانی و گرانفروشی شده است. در این دور تازه "مبارزه" اگر پیش از زایش سقط نشود، باردیگر چند ده کسبه و دوره گرد به چنگ گشتهای ویژه خواهند افتاد و پیروران بیروارتر می شوند. در توصیف مبارزه گرانفروشی به سبک جمهوری اسلامی، همان پس که به این سخنان بکی از نمایندگان مجلس اسلامی در تاریخ ۲ آبان اشاره شود: "اگر خدای عزیز خواسته، این عنوان - تعزیرات حکومتی در رابطه با گرانفروشی - هم مانند بسیاری از عناوین حقه دیگر وسیله ای شود برای تسویه حسابهای شخصی و قومی و تشییع حقوق مردم ضعیف چه کسی باید رسیدگی کند؟ اگر خود محترک و گرانفروش، فرصت طلب به عنوان معتمد عضو کمیسیون تعزیرات بود چه باید کرد؟ اگر سیکار فروش لب خیابان را به کمیسیون احضار کردند و همان معتمد الله بعنوان کسی که به راستی خبر دارد که این فرد گرانفروشی کرده چون اصلش را از خودش خریده و..." (رسالت ۴ آبانماه) ●

جنگ صندوق های قرض الحسنه علیه...

اگر هر یک نفر یا چند نفری تحت پوشش بنیاد خیریه اقدام به کارهای تجارتی نمایند؟ و احیانا نام مقدس ائمه معصومین را هم برای موسسه خود مورد استفاده قرار دهند، آیا فقط با استفاده از چنین نام هایی می توانند ظرف مدت کوتاهی صاحب چندین کارخانه بشوند و به تجارت داخلی و خارجی بپردازند و سالانه صدها میلیون تومان سود بپسندند؟ (رسالت ۲۱ مهر)

روزنامه رسالت فاش ساخته که بنیاد نبوت در تهبانی با مسئولین مملکتی، تا کنون مقادیر معتنابهی از کالاهای وارداتی و ساخت کشور را تحت عنوان کمک به جبهه به اختیار

بغیه از صفحه آخر راهتدارید برای موعج دیگر (اطلاعات - ۹ آبانماه) روزنامه رسالت نیز از کار بر سر همین "اختلافهای جزئی" دریغ نورزیده و ضمن درج کل مباحثات مطروحه به چاپ سه مقاله شماره ای "بنیاد نبوت، بنیادی بی بنیاد" به قلم سید رضا زواره ای پرداخته است. سرمقاله نویسنده رسالت لبه تیز حمله خود را نه خود بنیاد نبوت، بلکه روابط بنیاد نبوت با مسئولین مملکتی قرار داده است. در این مقالات به بنیاد نبوت و بنیادهای مشابه تحت عنوان "اختاپوس های اقتصادی" برخورد شده و پیرامون آن آمده است: "راستی

در نوع خود نیست و در حال حاضر بسیاری از فعالیتها، تحت پوشش موسسات عام المنفعه انجام می شود..."

بدین ترتیب مدافعین صندوقهای قرض الحسنه علیه "مناسبات ویژه ای" که به بنیاد نبوت امکان داد تا ظرف مدت کوتاهی سرمایه ای نجومی تصاحب کند اعتراض می کنند. این "مناسبات ویژه" که به خودی خود بازتابگر گنبدیگی مناسبات اداری جمهوری اسلامی و همین فساد مالی بدور از توصیف نهادها و دوائر مملکتی است، امروز هیچ جناحی از "رازهای سوخته" بنیاد نبوت دفاع نمی کند، دفاع بر سر دامان بزرگان حکومت است که "فرزندان" دیگری را همزادان "بنیاد نبوت" را در آغوش بر خیز و برکت خود پرور می کنند ●

خود می کشیده و از انهارهای بنیاد روانه بازار آزاد می کرده است. در افشاکری روزنامه رسالت همچنین قید شده است که مسئولین بنیاد با استفاده از "شخری" برای بازگرداندن سهام و مایملک افراد طافروتنی تلاش کرده و "با آنها قرارداد می بسته است که آنها اموال خودشان را به بنیاد هه کنند. بعد بنیاد نسبت به خلیع ید از دست ارگانی که این اموال در دست آن است اقدام کند و پس از آن اموال مزبور به یک نسبتی بین طرفین تقسیم شود." (اطلاعات ۵ مهر ۶۶)

هرآورد مالیات بخشی از درآمد بنیاد نبوت در سال ۶۵ راوزیر امور اقتصادی و دارائی بالغ بر ۸۲۰ میلیون ریال اعلام کرده است. وزیر امور اقتصادی و دارائی حتی اعتراف کرده است: "این بنیاد تنها موسسه

انتخابات مجلس و درگیری‌های درون حکومت

جوانان در مبارزه برای صلح

کنفرانس بین‌المللی جوانان ۱۷ کشور جهان در هندوستان

کنفرانس کلمبو برای پایان دادن تشنج در منطقه شدند. کنفرانس کلمبو به دلیل مخالفت ایالات متحده آمریکا و متحدین غربی آن به تعویق افتاده است.

هیات نمایندگی جوانان پیشکام ایران که از جمله شرکت کنندگان در این کنفرانس بین‌المللی بود طی دو سخنرانی، جوانی از عملکرد جنگ افروزان امپریالیسم و ارتجاع در منطقه را مورد بررسی قرار داد و با طرح پیشنهادهایی بر ضرورت گسترش اقدام هماهنگ جوانان در مبارزه برای صلح تاکید نمود.

هیات نمایندگی جوانان پیشکام ایران در سخنرانی‌های خود ضمن تشریح گوشه‌هایی از رزم جوانان ایران علیه جنگ ایران و عراق و سیاست‌های جنگ افروزان رژیم خمینی پشتپنانه خود را از مبارزه جوانان کشورهای در منطقه در راه خلع سلاح و حفظ و تامین صلح اعلام داشت.

به ابتکار فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و فدراسیون سراسری جوانان هند و در راستای اقدام مشترک جوانان برای صلح در حوزه اقیانوس هند و ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های اتمی در آسیا و اقیانوسیه، از یازدهم تا سیزدهم مهرماه، ۲۴ هیات نمایندگی از جوانان ۱۷ کشور جهان در یک کنفرانس بین‌المللی در هندوستان شرکت کردند.

انگیزه برگزاری کنفرانس در مقطع کنونی، تشنج در خلیج فارس و سریلانکا و به ویژه حضور نظامی دولت‌های امپریالیستی برای دامن زدن به جو خطرناک منطقه بود.

هیات‌های نمایندگی جوانان شوروی، ویتنام، هندوستان، ایران، افغانستان، استرالیا، اتیوپی، آفریقای جنوبی، فلسطین، یمن، دمکراتیک، ژاپن، کامیوجیا، بحرین، ماداکاسکار، مالزی، نیپال و سریلانکا یک صدا خواهان برگزاری

جدی جناح مخالف) در جمهوری اسلامی که پذیرش مسئولیت عبادت است و جز دودس و زحمت و فحش شنیدن چیز مادی برای کسی ندارد. اگر کسی استعفا هم بدهد نباید از او قبول کنید، نه اینکه کسی که مشغول خدمت است مستعفی اعلام کنیم و فردی جایش منصوب نماییم... آیا درست است که بگوییم چون قبلی با ما هماهنگ نبوده نباید برود... این بنده بعنوان نماینده یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفرای دهنده بخود اعلام می‌کنم که به هیچوجه موافق این تغییر نبوده‌ام (به فاعل و فعل توجه شود) این چه اسلامی است که می‌خواهید به خورد مردم بدهید." (رسالت ۷ آبان)

و همچنین "مطلب دیگر در مورد استاندار خراسان است که بنده از جناب وزیر کشور سؤال کردم، اعضای کمیسیون داخله شامند که مطلب قابل قبولی نداشتند که مستند تعویض شود. در مورد برادر جنتی استاندار محترم خوزستان که تازه تعویض کرده‌اند. آیا دین نداشت، آیا مدیریت نداشت... چون جوابی برای این مطالب نداشتند آنگذر برای ایشان کارشکنی کردند." (تاتعویض شد)

نمایندگان شهرتبریز نیز که خطر را در چند قدمی "شهردار خود" احساس می‌کردند، به سرعت موضع گیری کرده و طی ارسال نامه‌ای برای رئیس مجلس در رد ادعاهای خلخالی از شهردار این شهر حمایت کرده‌اند.

طوفان تغییر و تعویض‌ها که پیش از این هم اتفاق می‌افتاد، بار دیگر در گرفته است. مهره‌های حریف تا آنجا که قدرت پاسخگو باشد، از دور بازی حذف می‌شوند و مهره‌های جدید در صحنه می‌نشینند. تغییر یک مهره که ناشی از توازن قوای پیشین است، بار دیگر بر کوره تقابل نوک هیراشی حکومتی هیزم می‌نهد، جنگ آغاز می‌شود و به تعد ادیروزی‌ها و شکست‌ها و حدود آنها در ارگان‌ها و دوایر حکومتی جابه‌جایی آغاز می‌شود. بحران در راس حکومت با خود حکومت گره خورده است و تا حکومت بر جاست، بحران با اوچ و فرودش نیز در کار است و روند مهره‌گذاری‌ها و مهره برداری‌ها خاتمه نمی‌گیرد. باید خاطر نشان ساخت که انتخابات فرا راه از هم اینک درس اسرپرچ و هاروی حکومتی شیپور جنگ را به صدا درآورده است.

انتخابات مجلس شورای اسلامی که در پیش‌روست، بار دیگر پرونده‌های به مصلحت و بی‌با به چهار بسته شده را، به جریان انداخت. آتش تخاصم نیروهای در راس هرم حکومتی، بار دیگر از زیر خاکستر زبانه کشید. لپخنده‌های مصنوعی به یوزخنده‌های طبیعی و لب و دندان نشان دادن بدل گشتند و همچون همیشه نبرد "نیروها" به ثواب فراوان به مراکز و مهره‌های حساس سرایت کرد، عده‌ای تهیبت و برخی عزل شدند. آنچه در دور حاضر درگیری و تقابل درون حکومتی حساس می‌نماید، آنست که درگیری این‌بار نه در سطح نمایندگان مجلس نه بر سر فلان وزیر و وکیل بلکه دعوا در تمام حکومت، هم در مجلس و هم در هر ارگان تجمع "ضدین" بر سر استانداران و شهردارانی است که طعمه حریق جنگ جناحی شده‌اند. درگیری بر سر تعویض شهردار تهران است، بر سر عزل استاندار خوزستان است، بر سر عزل استاندار خراسان است و دعوای بر سر چشم طمع دوختن حریف به پست شهرداری تبریز است... این درگیری به حدی است که شبانه‌شب نمایندگان تهران در مجلس شورای اسلامی در سخنان پیش از دستور مجلس گفت:

دشمن اگر می‌کشد به دوست توان کلفت به که توان کلفت اینکه دوست مرا می‌کشد

برای نمایش و تصویر حدود درگیری درون حکومتی می‌توان صدها نشانه و دلیل ارایه نمود ولی این شعر این نماینده مجلس خود تابه‌لوی تمام‌نمای حدت تقابل درون حکومتی است. در جریان علنی شدن کوشه‌ها و گونه‌هایی از این تقابل و تا آنجا که روزنامه "رسالت" بازتاب داد، روشن گردید که علی‌رغم تبلیغات رژیم، شهردار تهران اصلا استعفا نداده، بلکه جناح مقابل خود سرانه با "استعفا نکرده" او ابراز موافقت نموده و در مراسم معارفه شهردار جدید، وی را به باد انتقاد گرفته است. در مجلس شورای اسلامی یکی از نمایندگان اعلام کرد:

"آقای موسوی به داد نمایندگان ملت توجه کنید (پس سخن از جناح مخالف موسوی است)... اگر بنا باشد بله بله قربان کوپوروش دهیم و هر کس آنچه ما گفتیم قبول نکند، بیرون کنیم سنگ روی سنگ بند نمی‌شود (تهنید)

فلاش‌های جنگ طلبانه برای به شکست کشاندن...

استقبال می‌کند. اما هر چه که می‌گذرد، میدان برای مانور دادن تنگ‌تر می‌شود.

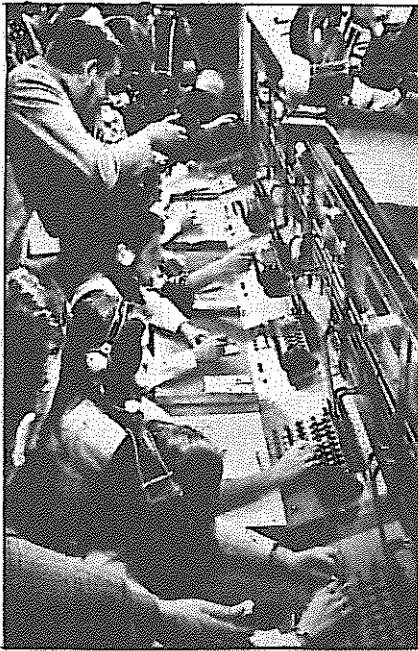
در راستای این مانورها، در هفته گذشته نیز حمله به هدف‌های زمینی و دریایی ادامه یافت. جمهوری اسلامی هدفی را در منطقه شرفانی و زبیده عراق بمباران کرد. عراق نیز به تاسیسات نفتی در جزیره خارک حمله برد. نفت کش نفتان نیز برای سومین بار در ۸ ماهه گذشته هدف حمله هوایی عراق قرار گرفت. یک قایق چنگی جمهوری اسلامی در روز جمعه ۱۵ آبان به سوی یک نفت کش آمریکایی دارای پرچم آمریکا شلیک کرد. آمریکا نیز یک کشتی تجاری را در اوایل هفته گذشته مورد حمله قرار داد که ابتدا گفته شد متعلق به جمهوری اسلامی است و بعد معلوم شد به امارات متحده تعلق داشته است و به دلایل نزدیک شدن "بیش از حد مجاز" به یک رزمناو آمریکایی مورد تودید قرار گرفته است. در پایان هفته گذشته اعلام گردید پانزدهمین کاروان نفت کش‌های کویتی دارای پرچم آمریکا تحت حمایت ناوگان چنگی ایالات متحده، بدون برخورد با هر حادثه سوئی، از تنگه هرمز و خلیج فارس گذشته و به مقصد رسیده است.

بقیه از صفحه اول و فراموشی معنایی جز جنگ ندارد، حتی اگر وقفه‌ای در جنگ پیش آید.

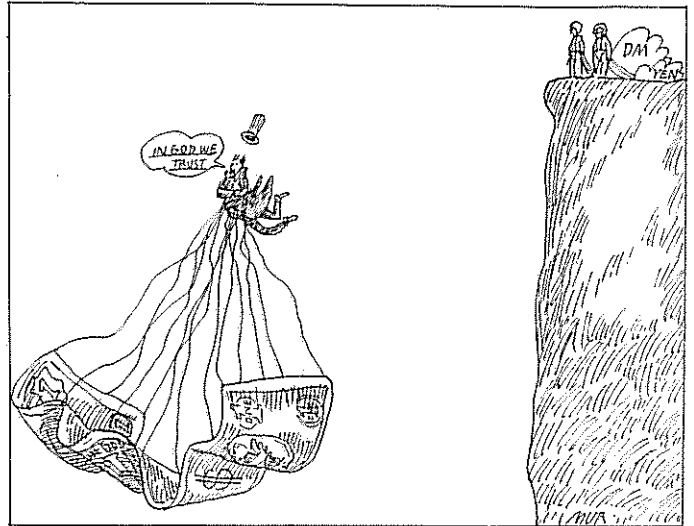
رژیم هژمان با سنگ اندازی در راه تلاش‌های دیپلماتیک بر بسیج چنگی شدت بخشیده است. از روز ۱۲ آبان به بعد تبلیغات چنگی و بسیج چنگی زیر شعارهای عوام‌فریبانه "ضد استکباری" به شدت بالا گرفت. رژیم اکنون در حال تقویت ماشین نظامی خود در جبهه جنوب است و طرح دیگری برای حمله به بصره تدارک دیده است تا در صورت مهیا بودن شرایط آن را به اجرا بگذارد. اما هر حمله گسترده‌ای، به راستی می‌تواند چهره جنگ را در گون سازد و به آن ابعاد یک جنگ تمام عیار منطقه‌ای را بدهد. رژیم خود به عواقب این کار واقف است و دستخوش یک تضاد جدی است. ماشین چنگی باید در حال تحرک باشد و بسیج چنگی باید ادامه یابد اما در عین حال حمله‌ای میسر نیست. رژیم با دادن مانور می‌کوشد این تضاد را تخفیف دهد. حملات هوایی و حمله به نفت کش‌ها را به شکل کنترل شده ادامه می‌دهد، از حملات متقابل عراق خرسند است و از بروز تشنج‌های محدود در خلیج فارس

توکل به خدا

کنترل تلفنی



در "جهان آزاد" مکالمات تلفنی به طور سیستماتیک تحت کنترل قرار دارند. عکس یکی از مراکز کنترل مکالمات تلفنی در آلمان فدرال را نشان می‌دهد.



هر روی دلار این سخن نقش شده است که IN GOD WE TRUST یعنی به خدا توکل می‌جویم. اما توکل به خدا نیز چاره ساز سقوط دلار نیست. جهانی بورس همچنان دلار را رویه پایین می‌راند. تا روز جمعه هفته گذشته قیمت دلار تا حد ۱/۶۷۸۵ مارک سقوط کرده بود.

تجربه‌ها

احساس مسئولیت

به یکی از رفقا، یک ماموریت تشکیلاتی سپرده شده بود. به او گفته بودند که برای انجام یک کار، نخست امکان معینی را فراهم سازد. رفیق نتوانسته بود و یا به حد کافی تلاش نکرده بود تا آن امکان را فراهم کند، و در نتیجه کار را معوق کرده بود. به او انتقاد شد، چرا که نه انجام کار، بلکه فراهم آوردن وسیله کار را اصل قرار داده بود. او فکر نکرده بود که آن کار باید صورت گیرد و اگر فلان امکان فراهم نشود، بهمان امکان را می‌شود فراهم کرد. خلاصه این که رفیق در برخورد با اولین مانع، کار را رها ساخته بود.

یکی از رفقا در برخورد افتقادی با این رفیق، خاطره آموزنده‌ای را نقل کرد. او تعریف کرد، احسن را که می‌شناسید، احسن ناهید را می‌گویم که در تاهستان ۵۸ در کردستان به دست مزدوران خمینی، در حالی که مجروح بود، همراه با عده‌ای دیگر از جمله برادرش، تیرباران شد. من خاطره‌ای از او دارم، که ساده اما بسیار آموزنده است. شاید به نظر احساس مسئولیت او در حادثه‌ای که برایتان

تعریف می‌کنم، بی‌اهمیت و معمولی جلوه کند. اما در زمان خود برای من بسیار پر معنی بود و من همواره بدان به چشم یک سرمشق نگریسته‌ام.

احسن در اوایل ۵۷، در رابطه با یک گروه هوادار ساوژمان قرار گرفته بود. او بنا بود در کردستان، امکاناتی را برای گروه خود فراهم سازد و به تهران انتقال دهد. قرار گذاشته بودیم که من بلافاصله پس از بازگشت احسن از کردستان، او را ملاقات کنم. طبق قرار او می‌بایست یک حرف لاتین را با ماژیک قرمز به عنوان علامت سلامتی، روی یک تیر چراغ برق بنویسد و من پس از دیدن علامت، به خانه او بروم. من علامت را که هر روزی تیر چراغ برق دیدم، تعجب کردم، یک حرف لاتین بسیار درشت که با قلم موشوخته شده بود، کاملاً رنگ آن تازه بود و همچنان از آن قطرات رنگ رو به پایین سرازیر بود. علامت آن چنان درشت و پررنگی بود، که از صدمتری هم می‌شد آن را دید. در عین شگفت‌زدگی به خود گفتم بهرحال علامت علامت است و رنگ آن هم که طبق قرار قبلی است. بر تردید خود

غلبه کردم و به سمت خانه احسن که یکی دو خیابان آن طرف تر بود به راه افتادم. تا در زدم احسن با چهره خندانی در را باز کرد. قبل از احوالپرسی به او گفتم، این چه جور علامت زدن است؟! فوراً موضوع را توضیح داد، صبح زود که به خانه رسیدم، برخلاف تصور هیچ ماژیک قرمزی در خانه نیافتم. خواستم با رنگ دیگری علامت بزنم و یا این که به جای علامت زدن، ترا به شکل دیگری مطلع کنم. اما دیدم درست نیست. قرار گذاشته‌ام که باید اجرا شود. در انبارخانه یک سطل رنگ قرمز و یک قلم مویید اکردم. از آنجایی که خیابان را خلوت و از هر نظر مناسب یافتم، تصمیم گرفتم با این وسایل علامت را بر تیر چراغ برق نقش کنم. برای من برخورد احسن، خیلی آموزنده بود. او اگر این موضوع ظاهراً ساده را ساده می‌گرفت، با نیافتن ماژیک قرمز، علامت زدن را مفتفی می‌کرد و ظاهراً هم توضیحش می‌توانست قانع‌کننده باشد. اما او می‌خواست کارش را انجام دهد و ف این که خود یا دیگری را قانع سازد که آن کار را نمی‌شد، انجام داد.

رفیقی که این خاطره را تعریف می‌کرد، در پایان افزود، نادوسه سال بعد از اعدام احسن، باز آن علامت درشت قرمز از روی تیر چراغ برق محو نشده بود. هر بار که از آن خیابان می‌گذشتم، به آن علامت می‌نگریستم و از آن الهام می‌گرفتم.

مفهوم اراده

"من باید..." یا "من می‌خواهم..."؟ مفهوم اراده را نباید در عبارت "من باید..." جدا از خواسته‌های فردی و یا حتی در نقطه مقابل آنها جستجو کنیم. اگر چنین کنیم دو مفهوم خواسته و وظیفه را در مقابل هم نهاده‌ایم. دقیقاً وحدت این دو مفهوم است که فردی را صاحب اراده‌ای قوی می‌سازد. بنابراین فرد با اراده آن کس نیست که مدام به خود فرمان می‌دهد. آن کس دارای اراده است که در نبرد او عبارت "من باید چنین کنم" و "خواسته من چنین است" مترادف باشند.

سخنان میخائیل گارباچف در مراسم گرامیداشت انقلاب اکتبر

بقیه از صفحه اول

۱- راه اکتبر، راه راهگشایان

راه ما- راه راهگشایان- عظیم و پیچیده است. آن را نمی‌توان با تحلیلی کوتاه، دریافت و درک کرد... آنچه انجام شده است با قهرمانی و یویایی‌اش، نمی‌تواند مردم امروز را بی‌تفاوت بگذارد. ما تنها یک تاریخ داریم، و این تاریخ بازگشت ناپذیر است. این تاریخ، هر احساساتی هم که برانگیخته باشد، تاریخ ماست و برای ما اگر انقدر راست. امروز ما به روزهای اکتبر، که جهان را نکان دادند، می‌نگریم و در آنها، هم تکیه‌گاه معنوی مستحکم و هم درسهای آموزنده‌ای جستجو می‌کنیم و می‌یابیم. دوباره و دوباره، به درستی راه سوسیالیستی که با اکتبر برگزیدیم، بی‌می‌بریم...

همانگونه که لنین تاکید می‌کرد، انقلاب پس از پیروزی فوریه پیشروی خود را با سرعتی باورنکردنی ادامه داد. بازیگران اصلی آن، کارگران و دهقانان در لباس سربازی بودند. بهار ۱۹۱۷، قدرت چپ‌نشین توده‌ای را نشان داد، و در عین حال، محدود بودن و متناقض بودن شعور انقلابی را در این مرحله و نیز نیروی ماند تاریخی را به نمایش گذاشت، نیرویی که با استفاده از آن، طبقات روبرو زوال استعمارگر موقتاً توانستند شمرات پیروزی خلق را در خدمت خود گیرند.

انقلاب فوریه، مهمترین سلاح رادر دست اکتبر گذاشت؛ تشکیل قدرت در قالب شوراهای احیا شده. فوریه، نخستین تجربه دموکراسی واقعی و تربیت سیاسی توده‌ها در عمل بود، تجربه‌ای که تحت شرایط پیچیده حاکمیت دوگانه به دست آمد. یک ویژگی فوریه نیز امکان کسب مسالمت‌آمیز قدرت توسط زحمتکشان بود، امکانی که بر اثر شرایط تاریخی متأسفانه به واقعیت تبدیل نشد. انقلاب فوریه، مهمترین مرحله تاریخی در راه به سوی انقلاب اکتبر بود...

در این دوره - از فوریه تا اکتبر - هنر سیاسی لنین و هم‌زمانش که درس آموزنده‌ای از دیالکتیک زنده اندیشه و عمل انقلابی ارائه کردند، با روشنی ویژه‌ای خود را نشان داد. رهبری حزب، توان خود را در جستجوی جمعی، در چشم‌پوشی از

عبارات و شعارهای کلیشه‌ای که تا دیروز، در موقعیتی دیگر، به نظر انکار ناپذیر و تنها راه ممکن می‌رسیدند، به نمایش گذاشت. می‌توان گفت که طرز فکر لنینی و کل فعالیت پلشویکها که مشخصات آن، تغییر سریع اشکال و شیوه‌های کار، انعطاف پذیری و خارق‌العاده بودن تصمیمات تاکتیکی و شامت سیاسی بود، نمونه‌ای فوق‌العاده برجسته از تفکر ضد دکماتیک، و ابعاد دیالکتیکی و در نتیجه نوین بودمارکیست - لنینیستهای واقعی، چنین و تنها چنین می‌اندیشند و عمل می‌کنند، به ویژه در مواقع تحول، در مواقع حساسی که در آنها سرنوشت انقلاب و صلح، سوسیالیسم و ترقی رقم زده می‌شود... هرکس مارکسیسم را بگونه‌ای دکماتیک و تنگ‌نظرانه تفسیر کند، مهمترین بخش این آموزش، یعنی دیالکتیک انقلابی آن را نمی‌تواند دریابد. ویژگی کل فعالیت لنین پس از اکتبر، همین بود. همین دیالکتیک انقلابی بود که با کمک آن، به معنای واقعی در سرحد ناممکن و ممکن، اقدام به لحاظ سیاسی و اخلاقی قهرمانانه در انعقاد صلح برست تحققیافت، صلحی که جان هزاران و هزاران انسان و موجودیت میهن سوسیالیستی را نجات داد...

در آخرین آثار لنین، که ویژگی آنها، محتوای فکری احساسی عمیق بود، نظام نظرات درباره ساختمان سوسیالیسم در کشور ما و حتی طرح لازم برای آن، ایجاد شد. این، برای حزب گنجینه تئوریک بسیار عظیمی است. مرگ زودرس ولادیمیر ایلیچ لنین، کل حزب و مردم را عمیقاً تکان داد. ماتی بی‌کران و ضربه‌ای چهران ناپذیر رسیده بود این راه که در می‌یافتند. کارهایی با اهمیت عظیم تاریخی در پیش رو قرار داشت. رهبری حزب می‌بایستی بدون لنین و تنها با تکیه بر آموزش و میراث او، بهترین راههای مناسب برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و رهبری کشور در شرایط مشخص آن روز و سیه شوروی به سوی سوسیالیسم را جستجو می‌کرد...

دوره پس از لنین - سالهای ۲۰ و ۳۰ - در تاریخ دولت شوروی جای ویژه‌ای دارد... ما در طول دهه‌ها، بارها به این دوره بازگشته‌ایم. این طبیعی است، زیرا در این دوره، ساختمان نخستین

جامعه سوسیالیستی جهان آغاز شد. این، یک اقدام قهرمانانه با ابعاد و اهمیت تاریخی بود... کار عملی سازندگی که مستلزم بیشترین حد از مسئولیت بود، در دستور روز قرار داشت. به ویژه مسئله صنعتی کردن و نیز بازسازی اقتصاد، که بدون آن ساختمان سوسیالیسم و تحکیم آمادگی دفاعی تصور ناپذیر بود، حدت داشت. این نتیجه تذکرات مستقیم لنین و میراث تئوریک او بود. در همین سطح و مطابق با میراث لنینی، مسئله دگرگونی سوسیالیستی در روستا قرار داشت...

آشکار است که باید بگوییم پیش و پس از انقلاب، در نخستین سالهای ساختمان سوسیالیسم، به هیچ وجه همه مسئولین طراز اول حزب یا لنین درباره برخی از مهمترین مسائل، هم نظر نبودند. از این گذشته، تذکرات لنین نمی‌توانست همه مسائل مشخص ساختمان جامعه نوین را در برگیرد. در تحلیل نژاع ایدئولوژیک آن زمان، باید در نظر داشت که انجام تحولات عظیم انقلابی در کشوری مانند روسیه آن زمان، به خودی خود وظیفه‌ای فوق‌العاده دشوار بود. کشور، در راهی تاریخی پیش می‌رفت، رشد آن بسیار شتاب می‌یافت، و همه جوانب زندگی اجتماعی به سرعت و عمیقاً دگرگون می‌شد.

مبارزه ایدئولوژیک، که کل طیف منافع طبقات و اقشار و گروههای اجتماعی، نیاها و ظایف زمان و سنن تاریخی را پانزناپ می‌داد... بگونه‌ای گسست ناپذیر با رویدادها و روندهای اقتصاد، سیاست و همه عرصه‌های زندگی انسانها گره می‌خورد.

در یک کلام، روشن اندیشیدن و تنها راه درست را در چنین موقعیت پیچیده و پرتلاطمی یافتن، فوق‌العاده دشوار بود. خصلت مبارزه ایدئولوژیک بر اثر رقابت فردی در رهبری حزب نیز بسیار پیچیده تر شده بود. اختلافات دیربنی که در زمان حیات لنین نیز وجود داشتند، در موقعیت جدید نیز خود را نشان می‌دادند، آن هم به شکلی بسیار حاد. می‌دانیم که لنین نسبت به امکان چنین خطری هشدار داده بود. او در "نامه‌یه کنگره" تاکید کرد که "این یک امر جزئی نیست و یا امری جزئی است که می‌تواند اهمیتی تعیین کننده

بیاپد" و از بسیاری جنبه‌ها، چنین نیز شد.

منش خرده بورژوازی، در برخی کادرهای پروجه دست بالا را گرفت. آنها دست به تشکیل فرآکسیون زدند. این، سازمانهای حزبی را دچار موقعیتی تپ‌آلود کرد، میان آنها و واقعیت زنده فاصله به وجود آورد و مانع فعالیتشان شد. کادرهای مزبور حتی زمانی که اکثریت حزب دریافت که نظرات آنها مغایر با اندیشه‌ها و طرحهای لنینی و پیشنهادهای آنها نادرست بود و می‌توانست کشور را از مشی درست در پیش گرفته شده، منحرف کند، به تحریک برای ایجاد انشعاب ادامه دادند.

این امر به ویژه در مورد ل. د. تروتسکی صادق است که پس از مرگ لنین داعیه مفرط رهبری حزب را مطرح می‌کرد. وی پدین ترتیب کاملاً درستی ارزیابی لنین از شخصیت خود به مثابه سیاستمداری پیش از حد از خود راضی، دائماً در حال چرخش و اعوجاج و مکار را نشان داد. تروتسکی و تروتسکیستها متکر امکان برپایی سوسیالیسم در شرایط محاصره سرمایه داری بودند. آنها در سیاست خارجی مدافع صدور انقلاب و در سیاست داخلی طرفدار "تحت منگنه گذاشتن" دهقانان، استثمار زده توسط شهر و شیوه‌های اداری - نظامی در رهبری جامعه بودند. تروتسکیسم، چریایی سیاسی است که ایدئولوگ‌های آن در اساس، موضعی تسلیم طلبانه می‌گرفتند. اما این موضع را با لغاظی‌های چپ و شبه انقلابی می‌پوشاندند. تروتسکیسم در ماهیت خود، یورش به لنینیسم در همه چپه‌ها محسوب می‌شد. عملاً سخن بر سر سرنوشت سوسیالیسم در کشور ما و سرنوشت انقلاب بود.

در این شرایط می‌بایستی تروتسکیسم در انتظار همه مردم افشا و ماهیت ضد سوسیالیستی آن برملا می‌شد. موقعیت، از آنجا که تروتسکیستها در یک پلوک‌ها اپوزیسیون جدید به رهبری ک. ی. زینویف و ل. ب. کامنیف عمل می‌کردند، باز هم پیچیده تر شد. رهبران اپوزیسیون دریافتند که در اقلیت‌اند، و به حزب بحثهای جدید و جدیدتری تحمیل می‌کردند. آنها به انشعاب در حزب امید بسته بودند. اما حزب در نهایت به سود مشی کمیته مرکزی و علیه اپوزیسیون موضع

حزب و غیر حزبی هاد معرض تضییقات جمعی قرار گرفتند. رفقا، این یک حقیقت تلخ است. لطمه‌ای جدی به سوسیالیسم و به حیثیت حزب وارد آمد. در این باره باید آشکارا سخن بگوییم. این امر ضروری است تا آرمان لنینی سوسیالیسم بطور نهایی و بازگشت ناپذیر به کرسی بنشیند.

اینک مباحث زیادی درباره نقش استالین در تاریخ ما وجود دارد. شخصیت او، فوق العاده متناقض است. ما باید به موضع حقیقت‌جویی تاریخی وفادار بمانیم و هم سهم انکارناپذیر استالین در مبارزه برای سوسیالیسم و برای حفظ دستاوردهای آن را و هم اشتباهات سیاسی فاحش و خودکامگی را ببینیم که او و اطرافیانش اجازه تحقق آن را دادند و مردم ما بهایی گران برای آن پرداختند، پدیده‌هایی که برای زندگی جامعه ما عواقب وخیمی به همراه داشتند. گاه ادعا می‌شود که استالین از بی قانونی‌ها خبر نداشت. اما از اسنادی که در اختیار ماست چنین برمی‌آید که اینطور نیست. گناه استالین و اطرافیان به‌افصل او در تهنال حزب و خلقی و در مورد تحمل تضییقات جمعی و بی قانونی‌ها، سنگین و نابخشودنی است. این، درسی برای همه نسل‌هاست.

بدبختی است که کیش شخصیت برخلاف ادعاهای مخالفان ایدئولوژیک ما، اجتناب ناپذیر نبود. کیش شخصیت با ماهیت سوسیالیسم بیگانه است، انحرافی از اصول اساسی آن است، و از این رو برای آن هیچگونه توجیهی وجود ندارد. در کنگره‌های ۲۰ و ۲۲ ح. ک. ش، حزب هم کیش شخصیت استالین و هم عواقب آن را به شدت محکوم کرد. امروز ما می‌دانیم که اتهامات و تضییقات سیاسی در مورد تعدادی از شخصیت‌های حزب و دولت، در مورد بسیاری از کمونیست‌ها و غیر حزبی‌ها، در مورد کادرهای علمی و ارتشی، دانشمندان و هنرمندان، نتیجه جعل عمدی بوده است.

بسیاری از اتهامات بعدها به‌ویژه پس از کنگره ۲۰ لغو شد. از هزاران تن که بی‌گناه زجر کشیده بودند، اعاده حیثیت کامل به عمل آمد.

اما روند احیای عدالت به پایان نرسید و عملاً در اواسط‌سالهای ۶۰ متوقف شد. امروز باید در انطباق با تصمیمات پلنوم اکتبر ۱۹۸۷ کمیته مرکزی بار دیگر این کار را از سر بگیریم دفتر سیاسی کمیته مرکزی، کمیسیونی بقیه در صفحه بعد



فرماندهی، در حل وظایف دگرگونی روستا مجاز نبود...

امروز روشن است که در کار عظیمی که مربوط به سرنوشت اکثریت مردم بود، انحراف از سیاست لنینی در قبال دهقانان تحمل شد. این روند بسیار مهم و بسیار پیچیده اجتماعی، که در آن بسیاری چیزها به شرایط محلی وابسته بود، عمدتاً با شیوه‌های اداری رهبری شد...

اما آنچه ذکر شد، همه پیچیدگی آن دوره را نشان نمی‌دهد. چه چیز در جریان بود؟... میلیون‌ها انسان در شور به کار برای تحقق دگرگونی‌های سوسیالیستی روی آوردند و نخستین موفقیتها تحقق یافت. در عین حال، شیوه‌هایی که زمان مبارزه علیه مقاومت خصمانه طبقات استثمارگر ایجاد می‌کرد، بطور مکانیکی به دوره ساختمان مسالمت‌آمیز سوسیالیسم که در آن، شرایط اساساً تغییر کرده بود، تعمیم داده شد. در کشور، فضایی از عدم تحمل، خصومت و بی‌اعتمادی ایجاد شد. بعدها این طرز رفتار سیاسی گسترش داده شد و برای توجیه آن، "تئوری" نادرست حدت‌گیری مبارزه طبقاتی در روند ساختمان سوسیالیسم مطرح گردید.

این، تاثیر مخربی بر رشد اجتماعی کشور گذاشت و به عواقب وخیمی انجامید. کاملاً روشن است که فقدان سطح لازم از دگرگونی کردن جامعه شوروی، هم کیش شخصیت و هم موارد نقض قانونیت، خودکامگی و تضییقات دهه ۳۰ را امکان‌پذیر کرد، صریح بگوییم - چنانیاتی که بر زمینه سو استفاده از قدرت صورت می‌پذیرفت. هزاران تن از اعضای

پیشنهاد می‌کرد که تا آن زمان بی‌سابقه بوده، یعنی پیشبرد فوری صنایع سنگین بدون درنگ با امید به انباشت ناشی از رشد صنایع سبک. این، در آن شرایط تنها راه ممکن بود که البته برای کشور و مردم راه بسیار دشواری بود. این، گامی رهاکننده بود که در آن، شور انقلابی توده‌ها به مثابه عامل رشد اقتصادی در محاسبه‌ها وارد شد. صنعتی شدن یکباره، کشور را به سطح کیفیتا نوینی ارتقا داد. در پایان دهه ۲۰، اتحاد شوروی از لحاظ تولید صنعتی به مقام اول در اروپا و مقام دوم در جهان رسیده و به قدرت صنعتی واقعا عظیمی تبدیل شده بود...

در عین حال دوره‌ای که از آن سخن می‌گوییم، لطماتی هم با خود آورد. این لطمات به لحاظ معینی در

ارتباط با موفقیت‌هایی بود که ذکر کردم. در آن زمان، اعتقادی به شریختی تمرکز آکید در همه عرصه‌ها وجود داشت، اعتقاد به اینکه شیوه‌های فرماندهی، کوتاه‌ترین و بهترین راه حل هر مسئله‌ای است. این امر بر برخورد به مردم و شرایط زندگی آنها تاثیر گذاشت.

نظامی از طرز کار اداری و فرماندهانه رهبری حزب و دولت ایجاد شد. پرورگراتیسم که لنین در زمان خود نسبت به خطرات آن هشدار داده بود، تقویت شد. ساختارهای هدایت و شیوه‌های برنامه‌ریزی مطابق با آن نیز شکل گرفتند. در صنعت با ابعاد آن زمان که احاطه بر همه تاسیسات مهم را به معنای واقعی امکان‌پذیر می‌کرد، این شیوه‌ها و چنین نظام اداره در مجموع شریختس بود. اما چنین نظام تمرکز آکید و

گرفت. اپوزیسیون به لحاظ ایدئولوژیک و سازمانی متلاشی شد.

بدین ترتیب، هسته رهبری کنگره حزب، که در راس آن ی. و. استالین قرار داشت، از لنینیسم در مبارزه ایدئولوژیک دفاع و استراتژی و تاکتیک مرحله آغازین ساختمان سوسیالیسم را تدوین کرد. مشی رهبری، مورد تایید اکثریت اعضای حزب و رُحمتکشان قرار گرفت. در شکست ایدئولوژیک تروتسکیسم، ن. ا. بوخارین، ف. ا. دزرژینسکی، س. م. کیروف، ک. ک. اردژونیکیدزه، ی. ا. رودسوتاک و برخی دیگر، نقش مهمی داشتند. در اواخر دهه ۲۰، مبارزه‌ای سخت در مورد راه‌های گذار دهقانان به سوسیالیسم در گرفت. در این مبارزه، در اساس موضع متفاوت اکثریت دفتر سیاسی و گروه بوخارین در مورد کازپست اصول نپ در مرحله جدید رشد جامعه شوروی به نمایش گذاشته شد.

شرایط مشخص آن زمان - هم شرایط داخلی و هم شرایط بین‌المللی - افزایش محسوس در آهنگ ساختمان سوسیالیسم را به وظیفه‌ای مهرم تبدیل کرده بود. بوخارین و طرفدارانش در طرحها و تئوری‌های خود عملاً به اهمیت عامل زمان در ساختمان سوسیالیسم در دهه ۳۰ کم بها می‌دادند. موضع آنها از بسیاری جنبه‌ها ناشی از طرز فکر دکماتیک و ارزیابی غیردیالکتیکی از اوضاع مشخص بود. هم خود بوخارین و هم طرفدارانش، پس از مدت کوتاهی به اشتباهات خود بی‌بهرند. حزب، راهی از صنعتی شدن را

سخنان میخائیل گارباچف

بقیه از صفحه قبل

برای بررسی همه جانبه فاکتها و اسناد جدید و فاکتها و اسنادی که در گذشته نیز در مورد این مسائل وجود داشت، تشکیل داده است. بر پایه نتایج کار این کمیسیون، تصمیمات لازم اتخاذ خواهد شد.

این همه در نگارش تاریخ ح. ک. ا. ش نیز که تدوین آن بر عهده کمیسیون ویژه‌ای از کمیته مرکزی قرار می‌گیرد، یازتاب خواهد یافت. این کار را باید انجام دهیم، به ویژه از آن رو که هم اکنون نیز با تلاشهایی برای طفره رفتن از مسائل دشوار تاریخ ما، سکوت در پاره آن‌ها و رفتاری حاکی از آن که گویا چیز ویژه‌ای روی نداده است، مواجهیم. ما نمی‌توانیم با چنین رفتاری موافقت کنیم. این، بی‌احترامی به حقیقت تاریخی و خاطره کسانی است که بی‌گناه قربانی بی‌قانونی و خودکامگی شدند. ما همچنین از این رو نمی‌توانیم با چنین برخوردی موافق باشیم که تحلیل مطابق با واقعیت، باید ما زار در حل مسائل امروزمان، مسائل دمکراتیزه کردن، قانونیت، علنیت، غلبه بر بوروکراسیسم، و خلاصه، مسائل حاد دگرگونی، یاری رساندن از این رو در اینجام به روشنی کامل، دقت و پیگیری نیاز داریم...

در جنگ کبیر میهنی، توانایی و درایت رهبران از دل خلق برخاسته ارتش - گ. ک. ژوکوف، ک. ک. رکوسوسکی، آ. م. واسیلوسکی، ای. اس. کونف و دیگر مارشالها، ژنرالها و افسران پرافتخار ما، و همه آنانی که چپه‌ها، سپاهها، لشکرها، تیپها، هنگها، گردانها، دسته‌ها و یگانهای ارتش ما را هدایت می‌کردند - با وضوح کامل خود را به نمایش نهاد. اراده سیاسی قاطع، مجاهدت در راه نیل به هدف، شجاعت و نیز توانایی سازماندهی افراد و انتظام بخشیدن پدانشان، ره به پیروزی برد. این خصایص در سالهای جنگ دری. و. استالین تجلی داشت. بهار اصلی جنگ را البته سرپاز ساده شوروی، کارگر سخت‌کوش برآمده از دل خلق و رزمنده شجاعی که به میهنش عشق می‌ورزید، بردوش حمل می‌کرد.

بعد از پایان جنگ، دشمنان ما مدعی بودند که اقتصاد ما سقوط خواهد کرد و کشور ما برای مدتهای طولانی در سیاست بین‌المللی، هیچ نقشی نخواهد داشت. آنها گمان می‌بردند که ما بعد از پنجاه سال و حتی بیشتر از پس چهران لطیفات ناشی از جنگ،

بر نخواهیم آمد. اما خلق شوروی در مدت زمان کوتاهی کارگاهها و کارخانه‌ها، کالخوزها و ساوخوزها، مدرسه‌ها، دانشگاه و موسسات فرهنگی ویران شده را از نو بنا کرد.

در همین دوره - دوره تلاشهای عظیم خلق ما که از سوسیالیسم سرچشمه می‌گرفت - تضاد بین سطح تکامل یافتگی جامعه ما و شیوه‌های کهنه شده رهبری تشدید شد. سواستفاده از قدرت و تضییق حقوق سوسیالیستی تداوم یافت. خلاصه این که یک توجه واقعی به خلق، وجود نداشت. انسانها یا از خودگذشتگی کار کردند و آموختند، برای دستیابی به شناخت نوینی کوشیدند، با مشکلات و ناملازمات ساختند و حس می‌کردند که در جامعه هم بیم و هم امید در حال انباشته شدن است. همه اینها بر آگاهی اجتماعی پس از مرگ استالین، سلطه یافت.

در اواسط دهه پنجاه، به ویژه پس از کنکره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی، نسیم دگرگونی بر کشور وزید گرفت. خلق بنیبه تازه‌ای یافت، سرزنده شد، دلگرم و نسبت به آینده امیدوارتر گردید. انتقاد از کیش شخصیت و پی‌آمدهای آن و برقراری مجدد حقوق سوسیالیستی از حزب و رهبری آن، که ن. س. خروشچف را در رأس داشت، شجاعت کمی نمی‌طلبید. کلیشه‌های کهنه شده در زمینه سیاست داخلی و خارجی شروع به درهم شکستن کردند. تلاش شد شیوه‌های فرماندهی بوروکراتیک در امر رهبری، که در دهه‌های سی و چهل معمول شده بود، کنار نهاده شوند، سوسیالیسم از پویایی بیشتری برخوردار شود، بر ارزشها و آرمان‌های انسانی تاکید گردید و روح خلاق مارکسیسم - لنینیسم در تئوری و پراتیک مجدداً احیا شود.

البته خطاهای ذهنی نیز کم صورت نگرفت - خطاهایی که ورود سوسیالیسم به یک مرحله نوین را دستخوش معضل ساختند و در موارد بسیاری برنامه‌های پیش‌رونده را با شکست مواجه کردند. سخن بر سر این است که وظایف کیفیتا نوین سیاست داخلی و خارجی و امر ساختمان حزب، آنهم نه در مواردی نادر، با شیوه‌های اراده‌گرایانه و با کمک مکانیسم‌های کهنه‌شده سیاسی و اقتصادی انجام پذیرفت. علت اصلی ناکام ماندن اصلاحات، که در آن دوره مورد حمله قرار داشت، در این بود که حرکت اصلاحی بر انکشاف یک روند دموکراتیزه کردن وسیع متکی نبود.

پلنوم اکثر (۱۹۶۴) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی رهبری در حزب و کشور را تغییر داد و

به تصمیم گیریهایی منجر شد که سمت آنها زدودن گرایشها و ندامت‌کاری‌های اراده‌گرایانه در سیاست داخلی و خارجی بود. حزب کوشید که در زمینه سیاستگزاری به ثبات معینی دست یابد و از اصولیت و قاعده‌مندی واقع‌گرایانه‌ای برخوردار شود.

پلنوم مارس و سپتامبر (۱۹۶۵) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سرآغاز نوینی در امر هدایت اقتصاد بود. به یک رفم اقتصادی دست زده شد و همچنین برنامه جامعی برای بهره‌برداری از مناطق تازه و تکامل نیروهای مولده در پیش گرفته شد. این امرواض کشور را در سالهای اول، بهبود بخشید. توان اقتصادی و علمی رشد کرد. بنیبه دفاعی تقویت شد و سطح زندگی مردم بالا رفت. در زمینه سیاست خارجی به ابتکارات و اقدامات بسیاری دست زده شد که به سیمای بین‌المللی دولت ما استحکام بخشید. تعادل نظامی - استراتژیک یا ایالات متحده آمریکا برقرار گردید.

کشور از امکانات زیادی برای شتاب بخشیدن بیشتر به رشد و تکامل خود، برخوردار بود. بی‌گمان لازمه بهره‌برداری از این امکانات و فعلیت بخشیدن به آنها، دگرگونیهای اساسی در جامعه و متناسب با آن در اراده سیاسی بود. اما هم در آن عرصه هم در این عرصه، قصور صورت گرفت. حتی بسیاری از تصمیمات بر روی کاغذ باقی ماند و یا یاد هوا خورد. سرعت رشد ما به شکلی جدی کاهش یافت.

حزب در پلنوم آوریل (۱۹۸۵) کمیته مرکزی و در کنکره ۲۷، آشکارا علل وضعیت پدید آمده را بر شمرده و بر آن مکانیسمی انکشت نهاد که سدر راه تکامل ما بودند. حزب به یک ارزیابی اصولی از این مکانیسم رسید.

باید توجه داشت که در سالهای آخر زندگی و فعالیت ل. ای. برژنف تلاش شد راههایی برای پیشرفت یافته شود. اما این راهها، از آنجایی که در چارچوب توسل به فرمولها و طرحهای طبق عادت بود، واقعیتهای نوین را در خود بازتاب نمی‌دادند. فاصله بین حرف و عمل بیشتر شد. در زمینه اقتصاد، روندهایی منفی بر روی یکدیگر انباشته گشتند که در اساس یک وضعیت در آستانه بحران را پدید آوردند. در عرصه اجتماعی و روانی - اخلاقی پدیده‌های ناپهنجاری بروز کردند. این پدیده‌ها به اصول عدالت سوسیالیستی پشت‌پازده و آنها را بی‌مضمون می‌کردند، به اعتقاد خلق بر این اصول ضربه می‌زدند و از خودبیگانگی اجتماعی و بی‌اخلاقی را در اشکال مختلف، به دنبال

می‌آوردند. دیگر اختلاف افزایش‌یافته بین اصول عالییه سوسیالیسم و واقعیت روزمره غیرقابل تحمل شده بود.

نیروهای سالم در حزب و در جامعه مدام با تاکید بیشتری بر روی این الزام و ضرورت مهم پای فشردند که باید هر پدیده‌های منفی غلبه یافت، سیر پیشامدها را متحول کرد، شتاب رشد اجتماعی - اقتصادی کشور را تضمین کرد و به نوسازی سوسیالیسم و پاکیزه‌سازی اخلاقی نائل شد.

طرح استراتژی بی‌ریخته شده در پلنوم آوریل (۱۹۸۵) کمیته مرکزی برای شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی کشور و نیز کورس نوسازی سوسیالیسم که در تصمیمات کنکره ۲۷ و گردهمایی‌های بعدی کمیته مرکزی به لحاظ تئوریک و سیاسی تکامل داده شد و در خطوط عمومی تحول انقلابی همه جوانب زندگی جامعه سوسیالیستی اثر گذاشت، پاسخ به این نیازهای مهم اجتماعی بود.

ایده تحول، مبنی بر تاریخ ۷۰ ساله ما و بنیاد استوار اصول ساختمان نوین اجتماعی شوروی است در این ایده مدارت و نوچویی، تجربیات تاریخی پشوسیم و فعلیت سوسیالیسم درهم می‌آمیزند. ما با تلاش خود و با آگاهی ژرف، به این ایده تحق می‌بخشیم و در این مسیر از تجربیات نسلها، که راه اکثر را برای ما کشودند، خلاقانه بهره می‌گیریم. بر ماست که تلاش پویندگان راه انقلاب و سوسیالیسم را پی‌گیریم و هر وسعت آن بیفزاییم.

رفقا!

ما پویندگان راه انقلابیم و این راه نه راه ست عنصران و برزدلان، بلکه راه قوی دلان و شجاعان است. قوی دل و شجاع، خلق شوروی همواره، چه در دوره دگرگونی‌های اجتماعی، چه در دوره آزمونهای نظامی و چه در دوره مسالمت‌آمیز تلاش آفرینشگر خود، همواره چنین بوده است. خلق، آفریننده تاریخ خویش و سرنوشت خویش است. خصصیت بنیادی تاریخ ما را این نکته بیان می‌دارد که خلق ما در طی تمام ۷۰ سال گذشته، تحت رهبری حزب، برای یک زندگی بهتر و عادلانه، تلاش ورزیده است. این است مظهر هویت خلق ما به‌مثابه آفرینندگان تاریخ!

(در شماره آینده نشریه بخشهای بعدی سخنرانی رفیق کارباچف، به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر اکثر از نظر خوانندگان، خواهد گذشت.)

اخبار گوناگون

*** اشغالگران اسرائیلی مجدداً دانشگاه بیت‌الحم در اردن غربی را به مدت سه ماه بستند.** این تصمیم به بهانه تظاهرات ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه علیه صهیونیستها در روز ۲۹ اکتبر گرفته شده است. در این تظاهرات که با سترگبندی همراه بود، دو نفر از دانشجویان بر اثر تیراندازی نیروهای ارتشی زخمی شدند. درام الله، الهیر و غزه نیز از سوی جوانان فلسطینی تظاهرات مشابهی برپا شد.

*** دادستان رژیم ترکیه اعلام کرد که در صورت بازگشت حیدر کوتلو، دبیر اول حزب کمونیست ترکیه و نیهت سارگین دبیر اول حزب کار ترکیه به میهن، آنها را به زندان خواهد افکند.** رهبران این دو حزب، که به زودی کنگره وحدت آنها برگزار خواهد شد، اعلام کردند که آنها در تصمیم خود قاطع هستند و در هر صورت علناً به ترکیه باز خواهند گشت. یک هیات بین‌المللی آنها را در بازگشت به ترکیه همراهی خواهد کرد.

*** رفیق میکول کنترا آس، یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست آرژانتین در سن ۹۸ سالگی در گذشت.** حزب کمونیست آرژانتین در سال ۱۹۱۸، زیر تاثیر دوران ساز انقلاب اکثریتی ریخته شد. رفیق کنترا آس یکی از چهره‌های برجسته این حزب و نیز جنبش سندیکی در آرژانتین بود.

***** ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی در یونان برای مدت نامحدودی دست به اعتصاب زدند. انگیزه اعتصاب، اعتراض به بسدی شرایط زندگی و شرایط تحصیلی است.

*** حمله به نیروهای مداخله گر آمریکا در فیلیپین شدت گرفته است.** در روز دوشنبه هفته گذشته دو نظامی آمریکایی در چند صد متری دروازه اصلی پایگاه هوایی کلارک به ضرب گلوله کشته شدند. آمریکا در فیلیپین دارای پایگاههای متعدد نظامی است. مستشاران آمریکایی در توطئه چینی علیه جنبش خلقی فیلیپین و پیروزه سرکوب نیروهای کمونیست، نقش فعالی دارند.

*** واینرگر وزیر دفاع آمریکا، استعفا و کارلوجی، مشاور امنیتی ریگان، جای اورا گرفت.**



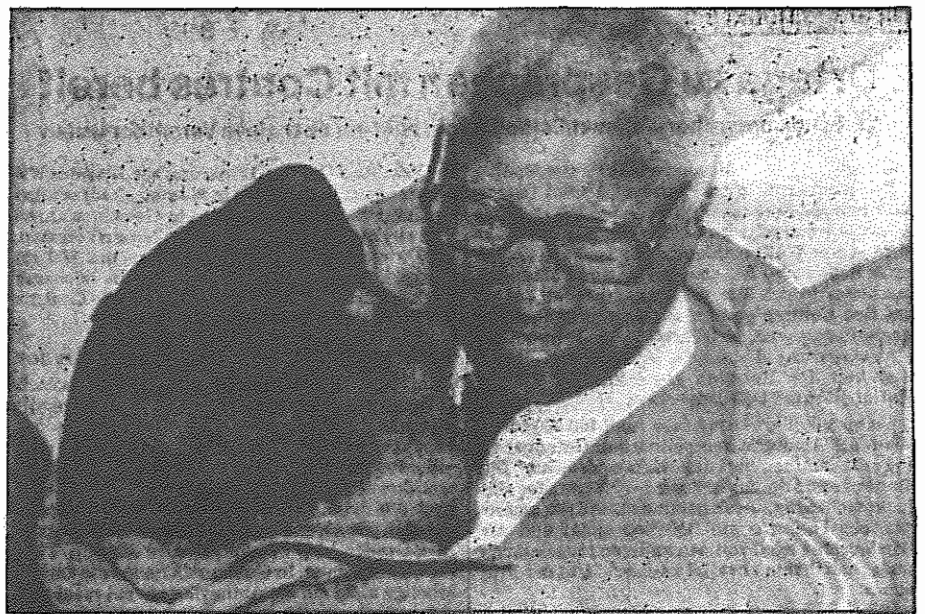
فقر در لبنان. سه کودک در میان زباله‌ها به دنبال مواد غذایی می‌گردند.

تجاوزگرهای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی

داخل خاک آنکولا حمله بردند و به ادعای خود ۱۵۰ نفر را به قتل رساندند. جنایتکاری مشابهی نیز در موزامبیک صورت گرفت. تحت حمایت رژیم نژادپرست، باندهای ضد انقلابی در طی یک یورش به منطقه ای در ۸۰ کیلومتری شمال مایوتو پایتخت موزامبیک ۲۷۸ نفر را کشته و عده کثیری از اهالی بی دفاع را زخمی کردند.

تجاوزگری علیه آنکولا و موزامبیک، ارتکاب قتل و جنایت در این دو کشور و حمایت از باندهای ضد انقلابی که در حال جنگ علیه دولت‌های انقلابی این دو کشورند، یک پای ثابت سیاست خارجی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی است. در هفته گذشته مزدوران نژادپرست به یک پایگاه سوایو که برای آزادی نامیبیا می‌جنگد، در

آزادی یکی از همزمان ماندلا



آفریقای جنوبی اعلام کرد که همچنان در راه آزادی می‌جنگد که ۲۲ سال تمام در زندان، رنج و قلهش از آنها سرشار بوده است. عکس صحنه‌ای از مراسم استقبال از این رزمنده پرشور و ثابت قدم را نشان می‌دهد.

کاون مبهکی یکی از همزمان نلسون ماندلا و از رهبران کنگره ملی آفریقا (ا.ن.سی) پس از ۲۲ سال اسارت، از زندان آزاد شد. او پس از آزادی از زندان جزیره روبین، نسبت به سرکشت میهن‌دانش و پیروزه نلسون ماندلا اظهار تکرانی کرد. کاون مبهکی بلافاصله پس از رهایی از زندان رژیم نژادپرست

شکست و اعدام در آمریکای مرکزی

در زندانهای سیاسی این کشورها زندانیان بطور سیستماتیک زیر شکنجه‌اند و شواهد بسیاری مبنی بر اعدام‌های مکرر وجود دارد. یکی از جلوه‌های آشکار نقض حقوق بشر در این کشورها بودن فعالین سیاسی و سندیکی و سر به نیست کردن آنها از سوی نیروهای ارتش و پلیس است.

یک هیات مرکب از عده‌ای وکلای مدافع حقوق بشر در آلمان فدرال، اتریش و سوئیس در روز سه‌شنبه بنته گذشته هنگام بازگشت از سفر خود به آمریکای مرکزی، در طی یک مصاحبه به موارد متعددی از شکنجه و اعدام در السالوادور، کواتمالا و هندوراس اشاره نمودند. به گفته اعضای این هیات،

اعتصاب در السالوادور

به دنبال فراخوان نیروهای انقلابی در السالوادور کارکنان بخش حمل و نقل در این کشور دست به اعتصاب زدند. بر اثر این اعتصاب در سراسر کشور کامیونها و اتوبوسها از حرکت باز ایستادند.

این اعتصاب، که دارای بار مشخص سیاسی است، در اعتراض به وضعیت وخامت بار زندگی و شرایط کاری کارگران و زحمتکشان شاغل در این بخش، صورت گرفته است.

برای سازماندهی مقاومت علیه پهلوشه

پهلوشه دیکتاتور شیلی، قصد دارد برای افزودن بر طول عمر حیات ننگین حکومت خود مضحکه‌ای تحت عنوان فراندنم برپا سازد. کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی برای یافتن موثرترین شیوه‌های افشای این مضحکه و سازماندهی گسترده‌تر مقاومت علیه دیکتاتوری خونخوار، تشکیل پلنوم داده است. بر اساس تصمیمات این پلنوم تلاش برای شکل دادن به یک اتحاد عمل وسیع، گام عمده در سازماندهی مقاومت است.

تظاهرات ۱۵۰ هزار نفری صلح در بلژیک

بلژیک با انتشار برجسته‌ای که بر آن شعاری با مضمون "بلژیک از خلیج فارس خارج شو" منتشر شده بود، به مردم بلژیک با مبارزه صلح دوستانه مردم ایران و منطقه تاکید نمود.

در این تظاهرات پرشکوهِ احزاب و سازمانهای انقلابی بسیاری شرکت داشتند. فدائیان خلق در بلژیک در این حرکت فعالانه حضور یافتند و همصدا با تظاهرکنندگان خواهان حفظ و تأمین صلح در سرانجام شدند.

روز ۲۵ اکتبر (سوم آبان) شهر بروکسل پایتخت بلژیک صحنه تظاهرات عظیمی بود که ۱۵۰ هزار نفر در آن شرکت داشتند. این تظاهرات در دفاع از صلح جهانی و باخواستهایی چون رفع تشنج در جهان، برچیده شدن پایگاههای نظامی آمریکا در اروپا و خروج ناوگان‌های بلژیکی از خلیج فارس بوقوع پیوست. مخالفت با حضور ناوگان‌های بلژیک در خلیج فارس در شعارها، پوسترها و اعلامیه‌های تظاهرکنندگان نمود بارزی داشت. حزب کمونیست



برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپوستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «کار»:	<input type="checkbox"/> شش ماهه <input type="checkbox"/> يك ساله
۱۶ مارك	۱۴ مارك	۲۷	۳۰

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «اکثریت»:	<input type="checkbox"/> سه ماهه <input type="checkbox"/> شش ماهه <input type="checkbox"/> يك ساله
۳۶ مارك	۳۳ مارك	۶۴	۱۳۸

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.182
MONDAY, 16 NOV, 87

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address: Ruzben
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

گردهمایی حزب و سازمان کمونیست، سوسیالیست و ترقیخواه در مسکو

در جهان امروز، به‌نوشته و دگرگونی‌های کیفی نیاز دارد. امروزه این امر بویژه از آترو اهمیت دارد که این جنبش نه دارای یک خصلت ملی، بلکه بنا بر جوهره خویش دارای خصلت بین‌المللی است. تنها این امر کفایت نمی‌کند که کمونیستها در کشورهای مختلف به موازات هم حرکت کنند. باید بین آنها تاثیر متقابل و روحیه تقاضا برقرار باشد. در چنین جوی است که آنها می‌توانند از تجربیات یکدیگر بهره‌گیرند و به درک پدیده‌های متنوع و متضاد در جهان نائل گردند. "مدعی همه چیزدانی" قادر نیست مسائل نوین را درک کند، قادر نیست به زبان مشترکی با دیگران دست یابد و به گفتگوی خلاقانه‌ای با دیگران بپردازد. رفیق کرباجف در ادامه این سخنان بر روی ضرورت تعمیق بردن میراث تلوریک تاکید کرد و گفت تنها در این صورت می‌توان واقعیت‌های نوین را تحلیل کرد و از آنها نتایج سیاسی درست گرفت.

پس از سخنرانی رفیق کرباجف، نمایندگان احزاب و سازمانها رشته نلام زا به دست گرفتند و هر یک طی سخنانی ضمن شادباش سالگرد انقلاب اکتر، اهمیت جهانی این انقلاب را تشریح کرده و به تحلیل پدیده‌های عمده در جهان معاصر پرداختند.

به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب اکتر نمایندگان ۱۷۸ حزب و سازمان کمونیست، سوسیالیست و ترقیخواه از سرتاسر جهان در مسکو حضور یافتند. رفیق میخائیل کرباجف، دبیر کل حزب کمونیست شوروی در جمع نمایندگان احزاب و سازمانها شرکت جست و نطق پرشوری ایراد کرد. کرباجف در این نطق هدف تلاشهای صلحجویانه سوسیالیسم را بقای بشر عنوان کرد و گفت سوسیالیسم نقش قاطعی در حل مسائل جهانی دارد. رفیق کرباجف در این سخنرانی در زمینه تحولات جاری در اتحاد شوروی گفت: اساس یک انقلاب اجتماعی عمیق در جریان است که ریشه در اکتر دارد. کرباجف بر دستاورد سوسیالیسم تاکید کرد و گفت: امروزه جامعه مبتنی بر استثمار به لحاظ مادی و معنوی بی‌اعتبار گشته است، در مقابل این سوسیالیسم است که اعتبار خود را به نمایش می‌نهد. نه پدیده منفی در تاریخ سوسیالیسم و نه انبوه کتابهای ضد مارکسیستی هیچ یک نتوانسته‌اند بر این حقیقت برده افکنند که آلترناتیو سرمایه‌داری، سوسیالیسم است.

رفیق کرباجف در بخش دیگری از این سخنرانی در رابطه با جنبش جهانی کمونیستی گفت: جنبش جهانی کمونیستی، مثل بسیاری دیگر از چیزها

جنگ صندوق‌های قرض الحسنه علیه بنیاد نبوت

در روز ۴ مهرماه محمد جواد ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی در مصاحبه‌ای پیرونده "بنیاد نبوت"، را از جنگ در "بستوها و حجره‌ها" خارج کرد و رسماً علنی ساخت. ماهمان زمان در خصوص علنی شدن مفاد پیرونده "بنیاد نبوت" در اکثریت ۶ مهرماه تصریح کردیم، "تا پیرده برافراشته بود، جز به مداحی از "بنیاد نبوت"، سخنی بر لبها نمی‌رفت، پیردها که فرو افتاده، کار از کار گذشته بود و مسئولین کوشیدند تا برای حراست از دامان بزرگان، فساد مالی و دزدی "بنیاد نبوت" را اعلام کنند، و خرده عنصران بارگاه دزدی و چپاولگری را برای حفظ کل بارگاه قربانی نمایند." اواخر مهرماه جنگ صندوق‌های قرض الحسنه و "بنیاد نبوت" آغاز شد. در سخنان پیش از

دستور مجلس عده‌ای از آیندگان به‌عملکرد صندوقهای قرض الحسنه حمله کرده و عنوان کردند که این صندوقها در پوشش امور خیریه و حل مشکلات مردم به‌واحدهائی با سرمایه کلان بدل شده و با همدستی با برخی از روحانیون سودهای کلان به‌جیب زده‌اند. در همین حملات فاش شد که تجمع پول در صندوقهای قرض الحسنه به‌حدی است که بخش قابل ملاحظه‌ای از نقدینگی بخش خصوصی را تشکیل داده و این نهادها در جریان گردش پول نقش موثری ایفا کرده و به "خلق سرمایه" می‌پردازند. در مقابل نمایندگان مدافع صندوقهای قرض الحسنه و از جمله سعید امینی با تاکید بر "ایثار و فداکاری" صندوقهای قرض الحسنه اظهار داشت: مگر امام نفرمودند اختلافهای جزئی بقیه در صفحه ۵